مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال جمهوری خلق چین؛

در شرایط امتداد جنگ یا توافق احتمالی با آمریکا



مهر ۱۴۰۵

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال جمهوری خلق چین؛

در شرایط امتداد جنگ یا توافق احتمالی با آمریکا

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تهیه کننده: محسن کشوریان آزاد

تاریخ انتشار: مهر ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: تعامل سازنده، نهادهای چندجانبه غیر غربی، نظم امنیتی آمریکایی-عبری-عربی، توازن مدیریت‌شده، شریک راهبردی، متحد راهبردی

شناسه گزارش: RC-1405-MEF-E2-PP-1262

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مرکز پژوهش‌ها در شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: @rc. iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی	۵
۱. مقدمه	۹
۲. نگاه اجمالی به پیشینه روابط ایران و چین	۱۱
۳. نگاه اجمالی به همکاری فعلی اقتصادی دو کشور	۱۳
٤. اهمیت ژئواکونومیک ایران برای چین: دوگانه «حامی و محتاط»	۱۸
۵. اهمیت چین برای «دیپلماسی بازآرایی اقتصادی ایران» در دوره پساجنگ	۲۷
٦. راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران برای مواجهه با چین در دوره پساجنگ	۲۹
نتیجه‌گیری	۵۲
فهرست منابع	۵٦

خلاصه مدیریتی

پیشینه روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین از سال ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که روابط طرفین علی‌رغم نوسان در برخی دوره‌ها، به‌صورت آهسته و پیوسته در مسیر «همکاری و تعامل سازنده» قرار داشته است و تاکنون به سمت «تعارض» حرکت نکرده است.

روابط اقتصادی طرفین در وضعیت فعلی نشان می‌دهد که چین در چهار حوزه؛ خرید نفت ایران، مبادلات تجاری غیرنفتی، تأمین مالی (فاینانس) و سرمایه‌گذاری خارجی شریک اول ایران است. همکاری چین با ایران در حوزه‌های نامبرده، تسهیل ورود ایران به نهادهای چندجانبه غیر غربی بین‌الملل و اتخاذ سیاست‌های عملیاتی ضد تحریمی موجب گشته تا مسیر پایدار «تنفس اقتصادی» برای ایران در شرایط پیچیده کنونی ایجاد گردد. با عنایت به موضوع مذکور، هرگونه اختلال در روابط ایران و چین به دلیل شکنندگی، آسیب‌پذیری و موانع همکاری به‌ویژه در حوزه صادرات نفت، تبادلات مالی و مسیرهای زمینی جایگزین می‌تواند بر روی «امنیت اقتصادی» ایران تأثیر منفی بگذارد؛ بنابراین ضروری است تنظیم دیپلماسی اقتصادی با چین به‌گونه‌ای صورت پذیرد که بتواند توسعه رابطه را در میان‌مدت و بلندمدت تضمین نماید.

اهداف پکن در رابطه با ایران بخشی از راهبرد گسترده‌تر این کشور در خاورمیانه یعنی؛ تأمین و تنوع‌بخشی به منابع نفت چین، رویکرد متوازن اقتصادی و سیاسی، تضمین امنیت کشتی‌رانی و پیشبرد پروژه‌های اقتصادی است.

از دیدگاه پکن، شکست ایران در جنگ با آمریکا برای منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن کشور در خاورمیانه پرهزینه خواهد بود. از عواقب شکست ایران برای چین تأثیر منفی بر امنیت انرژی، امنیت غرب چین، شکل‌گیری نظم امنیتی آمریکایی–عبری–عربی، تضعیف کریدورهای اقتصادی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری و تقویت راهبرد «مهار چین» آمریکا است. از این منظر حمایت چین از ایران برای آن کشور لازم است، اما آنچه اهمیت دارد، حدود و دامنه این حمایت است.

رفتار چین نسبت به کشورهای خاورمیانه و ایران بر مبنای «توازن مدیریت‌شده» میان رقبا در شرایط

تنش ژئوپلیتیک است که در قالب سیاست «دوست همه و دشمن هیچ‌کس» نمود پیداکرده است. در این چارچوب، سیاست چین نسبت به ایران در دوره پساجنگ در قالب مفاهیمی همچون؛ «جانب‌داری آشکار در گفتار»، «عمل‌گرایی محتاط و صبر راهبردی در رفتار»، «همکاری بدون اتحاد[1]» و «مشارکت راهبردی» قابل‌تعریف است.

چین نسبت به ایران رویکرد دوگانه و گاها متناقض «حامی و محتاط» را دنبال می‌کند؛ در سطح سیاسی و تحریم با حمایت قاطع‌تر از ایران در دوره پسا جنگ خود را به‌عنوان کشور «حامی» مطرح کرده است، باوجوداین در حوزه عملیاتی‌تر و اقتصادی «سیاست محتاط» را در پیش‌گرفته است.

ایران در راهبرد جهانی چین مقصد غیرقابل همکاری نیست و ازلحاظ راهبردی جایگاه ویژه‌ای برای پکن دارد؛ اما دارای اهمیت راهبردی با ریسک بالا محسوب می‌گردد. بر این اساس، در عمل پکن سیاست «متوازن، محتاط و با دامنه مشخص همکاری» را با ایران برگزیده که در چشم‌انداز چین، ایران هم یک فرصت اقتصادی–نظامی و هم یک مخاطره ژئوپلیتیکی قلمداد می‌گردد.

جایگاه چین در «بازآرایی دیپلماسی اقتصادی» در حالت توافق و عدم توافق احتمالی با آمریکا به دلایل همچون؛ وضعیت مطلوب و چالش کم‌تر چین نسبت به دیگر شرکای بین‌المللی، شریک اول اقتصادی، حمایت سیاسی و ضد تحریمی، رویکرد سیاسی نسبتاً مشابه و همسو نسبت به تحولات جهانی، نیاز به حمایت راهبردی قدرت بزرگ برای عبور از بحران‌های احتمالی برجسته است.

گام اصلی برای دیپلماسی اقتصادی ایران اتخاذ راهبرد مناسب جهت تبدیل چین از «شریک راهبردی» به «متحد راهبردی» است. برای تداوم «روابط بلندمدت و تضمین‌شده»، لازم است سیاست پکن نسبت به ایران از حالت «محتاط»، «صبر راهبردی»، «میانجی گر فعال بدون تعهد» و «نظاره‌گر» به سیاست «حمایت‌گرایی قاطع» و «همکاری گسترده و قوی» تبدیل گردد.

با امعان نظر به واقعیت‌های نگرش جهانی چین، سیاست متوازن و محتاط آن کشور نسبت به منطقه‌ی خاورمیانه و ایران و عدم ورود شتاب‌زده به همکاری اقتصادی و نظامی با ایران ضرورت دارد تا منطق دیپلماسی اقتصادی ایران در دوره توافق و یا عدم توافق احتمالی با آمریکا در مواجهه با چین عمل‌گرایانه

1 - Non-alliance policy

باشد.

در صورت توافق و عدم توافق احتمالی ایران با آمریکا، دو راهبُرد پراگماتیسم (عمل‌گرایی اقتصادی) و رویکرد «هجینگ/مصون‌سازی/پوشش ریسک» برای دیپلماسی اقتصادی ایران در مواجهه با چین پیشنهاد می‌گردد.

بر مبنای رویکرد «عمل‌گرایی اقتصادی» در مواجهه با چین سه اقدام شامل؛ رویکرد ایجابی با دستاورد عملی-عینی، رعایت ملاحظات بنیادی برای برقراری روابط با چین، توجه به چالش‌های دیپلماسی حداکثری با چین در وضعیت عدم قطعیت مدنظر دستگاه دیپلماسی اقتصادی قرار گیرد:

- در قالب رویکرد ایجابی با دستاورد عملی-عینی اقدامات زیر انجام گیرد: بازتعریف رابطه دوجانبه به رویکرد همکاری حداکثری، تداوم سیاست حداکثری با چین در حوزه‌های موضوعی اقتصادی، تعریف جایگاه ایران در طرح‌ها و ابتکارات چین، توسعه همکاری با چین در پروژه‌های راهبردی و بلندمدت، جانمایی دقیق ایران در زنجیره تأمین چین محور و بهره‌مندی اقتصادی عملیاتی از نهادهای چینی غیرعربی.
- ملاحظات بنیادی زیر برای تقویت روابط طرفین رعایت گردد: تنظیم دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر واقعیت‌های نگرش جهانی چین، بازتعریف نگرش «حلال مشکل» نسبت به چین، مواجهه رویکرد اقتصادی با چین براساس منطق سیاست محتاطانه آن کشور.
- به چالش‌های دیپلماسی اقتصادی حداکثری با چین در وضعیت عدم قطعیت شامل؛ «وابستگی نامتقارن»، «سیاست دنباله‌روی» و «قرار گرفتن در رقابت ابرقدرت‌ها» توجه گردد.

در کنار «عمل‌گرایی اقتصادی»، راهبرد «مصون‌سازی نامتقارن و محدود» در مواجهه با چین در دستور کار حوزه دیپلماسی اقتصادی قرار گیرد. این راهبرد، ضمن پیشبرد رویکرد عمل‌گرایی اقتصادی با چین، گزینه‌های دیپلماتیک و مسیرهای متنوع همکاری اقتصادی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌کند. در این راهبرد سیاست خارجی کشور از الگوی متمرکز به الگوی چندمسیره، متنوع و تاب‌آور روی می‌آورد و هر یک از کشورهای همسایه، همسو و «جنوب جهانی» کارکرد مشخصی خواهند

داشت.

در چارچوب راهبرد مصون‌سازی باید در کنار چین برای همکاری اقتصادی با چهار گروه دولت در سیاست خارجی برنامه‌ریزی کرد:

- √ گروه اول؛ قدرت‌های بزرگ مهم چین، روسیه و هند.
- √ گروه دوم؛ کشورهای همسو، همسایه و برخوردار از ظرفیت همکاری اقتصادی شامل؛ پاکستان، افغانستان، عمان و عراق.
- √ گروه سوم؛ کشورهای دارای ظرفیت همکاری اقتصادی با چالش‌های بیشتر نسبت به گروه دوم شامل؛ ترکیه، قطر، امارات.
- √ گروه چهارم؛ قدرت‌های نوظهور شامل؛ برزیل، آفریقای جنوبی، ویتنام، مالزی، اندونزی. به صورت کلی، در موازی با چین، شبکه‌ای از شرکا در «جنوب جهانی» هدف سیاست خارجی ایران باشد.

رویکرد مصون‌سازی در مواجهه با چین می‌تواند در دو حالت «توافق با آمریکا و عدم توافق با آمریکا» منافع ملی ایران را تأمین کند. این راهبرد در سه حوزه سیاسی–دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی قابلیت پیاده شدن در سیاست خارجی ایران را دارد.

۱. مقدمه

در دوره معاصر- به‌ویژه نیمه دوم قرن بیستم- روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در ابعاد مختلف با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بود. در نیمه دوم قرن بیستم تغییرات نظام‌های سیاسی دو کشور، تغییر ایدئولوژی‌های حاکم، تغییرات ساختاری نظام بین‌الملل (تغییر نظام دوقطبی به تک‌قطبی و سپس به چندقطبی)، متغیرهای داخلی و نقش رهبران در سیاست خارجی، جهت‌گیری سیاست خارجی دو کشور را نسبت به هم تعیین کرده بود. در دو دهه اخیر، تحولات سیاسی و اقتصادی بین‌الملل و منطقه‌ای ازجمله پرونده هسته‌ای ایران، تحریم اقتصادی ایران، برجام، همکاری اقتصادی چین و آمریکا، شکاف در حال ظهور چین و آمریکا، نحوه مواجهه دو کشور با ایالات‌متحده آمریکا، نوع تنظیم رابطه با کشورهای منطقه، الگوی سیاست خارجی ایران، راهبرد سیاست خارجی چین و مسائلی از این قبیل در تعیین روابط طرفین تعیین‌کننده بود. براساس واقعیت‌های موجود، در دوره مذکور، روابط ایران و چین متأثر از این متغیرها، تحولات و فراز و نشیبی را در پی داشته است و روابط طرفین مسیر پر از نوسانی را تجربه نمود. بااین‌حال، رویکرد سیاست خارجی دو کشور از ۱۹۷۹ تاکنون بر مبنای «تعامل سازنده و همکاری» بنا نهاده شده است. با گذر زمان، به‌صورت آهسته اعتماد در روابط طرفین بیشتر شده و نقش عوامل همگرا نسبت به عوامل واگرا در روابط طرفین افزایش‌یافته است.

در دهه اخیر، وجود شاخص‌های مثبتی همچون؛ وضعیت مطلوب روابط ایران با چین نسبت به دیگر شرکای بین‌الملل، نقش چین در بحران‌های سیاسی و اقتصادی کنونی ایران، ظرفیت‌های چندبعدی (سیاسی، تجاری، مالی، پولی، انرژی، نظامی، تسلیحاتی) چین برای عبور از وضعیت بحرانی کنونی، نقش در حال افزایش پکن در مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان، غرب آسیا و ایران و...، در کنار شاخص‌های منفی همچون؛ وجود چالش‌های تعمیق روابط، عدم انتقال سطح توسعه روابط از «مشارکت راهبردی» به «اتحاد راهبردی»، برآورد نشدن برخی انتظارات از تعمیق روابط طرفین علی‌رغم تلاش‌های مدام و یکپارچه در سیاست خارجی، انتظارات از چین برای همکاری با ایران در دوره پسا جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، وضعیت همکاری و عدم همکاری طرفین را تعیین کرده‌اند.

همچنین در دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب «رویکرد نگاه به شرق»، «همکاری حداکثری»

با جمهوری خلق چین را به‌عنوان کلان‌راهبرد سیاست خارجی خود در پیش گرفت (Caba-Maria, 2021: 245). در چارچوب این راهبرد حفظ چین به‌عنوان «شریک اول تجاری»، «خریدار اصلی نفت»، «تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری ایران تحت عنوان خطوط اعتباری»، «توافق‌نامه ۲۵ ساله مشارکت راهبردی»، «از شرکای اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم FDI» در ایران نمود پیدا کرد. با عنایت به موارد مذکور، تحولات کنونی جنگ ۱۲ روزه و «جنگ رمضان/جنگ ۳۹ روزه»، «امتداد جنگ کنونی در بستر عدم قطعیت‌های موجود» و جایگاه چین به‌عنوان شریک اول اقتصادی کشورمان، ضروری است الگوی مشخصی برای تنظیم روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی نسبت به پکن اتخاذ گردد. الگویی که در چارچوب آن بتوان مدیریت هوشمندانه اهرم‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی، تعریف قواعد بازی متناسب با شرایط جدید، بازآرایی آرایش اقتصادی و سیاسی، تنوع سازی رویکردهای اقتصادی- تجاری را پیش برد. در حقیقت، ضرورت دارد تا مسیرهای دیپلماسی اقتصادی و نحوه مواجهه دیپلماسی اقتصادی با چین برای مدیریت ریسک، حفظ منافع اقتصادی، تعدیل دل‌بستگی‌های سطح راهبردی به چین، تعدیل انتظارات احساسی و برون‌رفت از رویکردهای غیرواقع گرایانه متناسب با وضعیت فعلی ترسیم گردد.

در این راستا، این گزارش به‌صورت مشخص به این سؤال پاسخ داده است که در صورت امتداد جنگ و یا توافق احتمالی با ایالات‌متحده آمریکا، راهبرد بهینه برای هدایت دیپلماسی اقتصادی در مواجهه با چین در دوره عدم قطعیت فعلی و بهره‌مندی درست از اهرام ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کدام است و چگونه پیاده گردد؟ همچنین به این سؤالات فرعی پاسخ داده‌شده که دیپلماسی اقتصادی ایران بر چه راهبرد کلی و چگونه می‌تواند با چین تنظیم گردد تا بهترین دستاوردهای اقتصادی (تجاری، مالی، سرمایه‌گذاری و غیره) را برای ایران به دست آورد، سطح روابط از وضعیت «مقطعی و نوسانی» را به وضعیت «بلندمدت و راهبردی» مدنظر طرفین انتقال دهد، در دوره مذاکرات پساجنگ بتواند فشارهای ناشی از محاصره دریایی، خفگی اقتصادی و انسداد مالی، اختلال در شبکه مالی خارجی و غیره را تعدیل کند، روابط ایران و چین را از «مشارکت راهبردی» به «اتحاد راهبردی» تبدیل نماید، روابط طرفین را از چالش‌های وابستگی نامتقارن و سیاست دنباله‌روی حفظ کند، قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر

چین افزایش دهد و سؤالاتی از این قبیل.

۲. نگاه اجمالی به پیشینه روابط ایران و چین

درمجموع روابط ایران و چین چهار دوره تاریخی را از ۱۹۴۹ به بعد تجربه نموده است:

دوره اول؛ عصر پهلوی در ایران و حزب کمونیست به رهبری مائو تسه‌تنگ در چین که بازه زمانی ۱۹۴۹–۱۹۷۰ را شامل می‌شود. در این دوره روابط طرفین تحت تأثیر ساختار نظام دوقطبی نظام بین‌الملل قرار داشت. همگامی ایران با قطب لیبرال به رهبری آمریکا و همگامی چین با قطب کمونیست به رهبری اتحاد جماهیر شوروی اساس روابط طرفین را تعیین کرد. برآیند شکل روابط در این دوره، «تنش آلود و بدون برقراری روابط رسمی سیاسی» بود. چین، دولت ایران را وابسته و دست‌پرورده سرمایه‌داری جهانی قلمداد می‌کرد و ایران، چین را کشوری توسعه‌طلب لقب می‌داد (شریعتی نیا، ۱۳۹۱: ۱۸۱). دلایل اصلی فاصله گرفتن پهلوی از چین و سردی روابط طرفین در عصر مذکور سلطه ایدئولوژی کمونیست بر چین، بیم ایران از گسترش کمونیسم به ایران، تمایل شدید ایران به تضمین حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی از سوی ایالات‌متحده، روابط خصمانه چین و آمریکا به‌ویژه تقابل در جنگ دو کره در سال ۱۹۵۰ و ناخرسندی پهلوی از هم‌پیمانی با چین و شوروی بود.

دوره دوم؛ بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ بود که با برقراری روابط سیاسی، همکاری میان طرفین آغاز گشت (Girard, 2018: 2)، در اوایل سال ۱۹۷۰، ایران از رأی دادن به قطعنامه پذیرش جمهوری خلق چین در سازمان ملل متحد خودداری کرد – این اولین باری بود که به پذیرش جمهوری خلق چین رأی منفی نداده بود – در اوت همان سال، دو کشور روابط دیپلماتیک رسمی برقرار کردند. ایران با قطع روابط رسمی با جمهوری چین (تایوان)، جمهوری خلق چین را به‌عنوان «تنها دولت قانونی چین» به رسمیت شناخت. از ۱۹۷۱ به بعد، پکن به‌طور فزاینده‌ای ایران را به‌عنوان سدی در برابر توسعه‌طلبی‌های شوروی به سمت خلیج‌فارس می‌دید. سفرهای دیپلماتیک ازجمله سفر هوا گوئوفنگ[1]، دبیر کل حزب کمونیست چین (۱۹۷۶–۱۹۸۱) در لحظات حساس انقلاب ایران در شهریور ۱۳۵۷ به تهران انجام گرفت (طباطبایی، ۱۳۸۷:336-335). کاهش تنش‌های آمریکا با چین، افزایش تعارض بین چین و

1 - Hua Guofeng

اتحاد جماهیر شوروی، تغییر ساختار قدرت در نظام سیاسی چین به‌ویژه در اواخر دهه ۷۰ (روی کار آمدن عمل‌گرایان به رهبری دنگ شیائوپینگ و نقش اصلاح‌گرایانه چوئن لای در اوایل دهه ۷۰) زمینه برای ترمیم روابط طرفین فراهم آورد. به‌صورت کلی در دوره پهلوی دو الگوی «تعارض» و «همکاری» در روابط ایران و چین طی سه دهه نمود پیدا کرد. از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۷۰ الگوی تعارض و در سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ الگوی همکاری حاکم بود.

دوره سوم؛ «ترمیم، توسعه و نوسان الگوی تعارض و همکاری» با تقارن انقلاب اسلامی و سیاست درهای باز چین (۲۰۱۲-۱۹۷۹) بود. اواخر دوره پهلوی دوم و اواخر دوره اول حزب کمونیست چین به رهبری مائو، ترمیم روابط آغاز گردید و در دوره انقلاب اسلامی ایران توسعه و ابعاد جدیدی پیدا کرد. دوره توسعه و ترمیم روابط دو بخش قبل از انقلاب و بعد از انقلاب را شامل می‌شود که از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ روابط براساس «همکاری صرف» بود و در دوره پس از انقلاب اسلامی مسیر توسعه روابط ضمن گسترش در ابعاد اقتصادی با فراز و نشیب‌های همراه بود. در این دوره مهم‌ترین دلایل ترمیم و توسعه همکاری عبارت‌اند از: اختلاف و روی‌گردانی چین از اتحاد با جماهیر شوروی، حضور در سبد سیاسی و اقتصادی غرب، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تقویت همکاری با شرق در سیاست خارجی ایران، سیاست بی‌طرفی چین نسبت به کشورهای درحال‌توسعه،(Andersen, 2023: 91-92) سیاست امنیت انرژی چین با تمرکز بر منطقه غرب آسیا، نقش ایران در تأمین امنیت انرژی، راهبرد «بیرون رفتن» چین. همچنین عواملی واگرایی همچون؛ فشار ساختاری آمریکا بر ایران، چالش برنامه هسته‌ای ایران، همسویی چین با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، نگرش منفعت‌جو عمل‌گرایانه چین (نگرش تاکتیکی و نه راهبردی چین نسبت به ایران)، در دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی موجب نوسان در روابط بود.

دوره چهارم؛ از ۲۰۱۲ –رهبری شی‌جین‌پینگ بر حزب کمونیست چین– را در بر می‌گیرد. در این دوره روابط دو کشور وارد فاز مشارکت راهبردی و همکاری‌های گسترده‌تر در ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی–نظامی شده است. بااین‌وجود تحت تأثیر برخی از متغیرهای موجود مشارکت راهبردی در روابط طرفین وارد حوزه اتحاد راهبردی نشده است. روابط تحت تأثیر برنامه هسته‌ای، تحریم‌های بین‌المللی،

فشارهای غرب و عدم تمایل چین به همکاری با ریسک بالا با ایران نیز با چالش‌های همراه بوده است.

به‌صورت کلی در دوره پهلوی «عدم همکاری و تنش سیاسی» از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۰ و «ترمیم روابط سیاسی» از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ است. در دوره پس از انقلاب از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲، توسعه روابط سیاسی، همکاری تسلیحاتی و سپس بذر توسعه همکاری اقتصادی به‌ویژه همکاری انرژی در دهه ۱۹۹۰ بود؛ و از سال ۲۰۱۲ تاکنون توسعه روابط در همه ابعاد (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی) وجود داشته است.

نتیجه نگاه اجمالی به روابط طرفین نشان می‌دهد که روابط طرفین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۰ براساس «تعارض صرف» استوار بود، از سال ۱۹۷۰ تاکنون هیچ‌گاه روابط طرفین به سمت تعارض صرف حرکت نکرده است، اما در برهه‌های کوتاهی با فراز و فرودهای همراه بوده است. در دهه اخیر زمینه و چشم‌انداز همکاری گسترده در حوزه موضوعی مختلف بیش از گذشته مشهود است و روند همکاری طرفین تا حدودی باثبات‌تر از گذشته است.

۳. نگاه اجمالی به همکاری فعلی اقتصادی دو کشور

روابط ایران و چین در اواخر دوره پهلوی (سال ۱۹۷۹-۱۹۷۰) و سپس پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ مبتنی بر الگوی همکاری بود. علی‌رغم کاهش همکاری در برخی از بازه‌های تاریخی به دلیل تأثیر منفی برخی مسائل همچون؛ پرونده هسته‌ای ایران، فشار غرب و آمریکا بر چین و محدودیت‌های تحریمی، سطح روابط طرفین در وضعیت مطلوبی نسبت به سایر شرکای خارجی ایران حفظ‌شده است.

این روابط پس از سال ۲۰۱۲، تحت تأثیر دلایلی همچون؛ ظهور و بروز شکاف چین و آمریکا، راهبرد نظم ساز چین در جهان؛ تغییر کلان رویکرد آمریکا نسبت به چین از تعامل به رقابت و تقابل، ظهور نظم چندجانبه گرایی، سیاست عمل‌گرایی ایران به‌سوی شرق، تقویت رویکرد مقابله با یک‌جانبه‌گرایی دو کشور، ظهور زنجیره تأمین جهانی آسیا محور، نقش ژئوپلیتیک و ژئوکونومیک ایران در رویکرد جهانی چین، نیاز ایران به چین در عصر تحریم‌ها و تنش با غرب، اشتراکات و ظرفیت‌های همکاری در حال ظهور در سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای، جایگاه ایران در کمربند و راه و غیره وارد سطح جدیدی

از تعامل شد که تحت عنوان «مشارکت راهبردی[1]» شناخته می‌شود.

چنانچه روابط ایران و چین از «همکاری محدود[2]» به «مشارکت راهبردی گسترده[3]» –شامل ابعاد اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی– تبدیل‌شده است (Ayres & et al, 2026: 1-2). در این مدت، چین شریکی کم‌نظیر برای ایران بوده، از وزن اقتصادی لازم برای خنثی‌سازی تلاش‌های ایالات‌متحده جهت فلج کردن اقتصاد ایران برخوردار است و اقدامات عملیاتی برای همکاری اقتصادی طرفین برداشته‌شده که نمود آن در امضای سند همکاری جامع ۲۵ ساله آشکار گشته است (Power, 2026).مهم‌ترین حوزه‌های همکاری فعلی اقتصادی شامل؛ خرید نفت ایران، مبادلات تجاری غیرنفتی، تأمین مالی (فاینانس) و سرمایه‌گذاری خارجی است که موجب شده مسیر پایدار «تنفس اقتصادی» برای ایران ایجاد گردد.

تجارت؛ چین اولین شریک تجاری ایران است. دو کشور از پیوندهای تجاری قابل‌توجهی، به‌ویژه در حوزه انرژی، برخوردارند و نسبت به سلطه ایالات‌متحده نیز بدبینی مشترکی دارند؛ بااین‌حال، روابط آن‌ها به‌شدت نامتوازن است و وابستگی تهران به پکن بسیار بیشتر از وابستگی پکن به تهران است.

جدول (۱): آمار تجارت غیرنفتی گمرک ایران (میلیارد دلار)

سال	صادرات (میلیارد دلار)	سهم از کل صادرات (درصد)	واردات (میلیارد دلار)	سهم از کل واردات (درصد)	کل
۱۴۰۰	۱۴,۵۹	۳۰	۱۲,۷۴	۲۴	۲۷,۶
۱۴۰۱	۱۴,۷۳	۲۷	۱۵,۸۳۸	۲۶,۳	۳۰,۵۷۱
۱۴۰۲	۱۴,۱۵۷	۲۸,۰۸	۱۸,۸۵۱	۲۷,۹۴	۳۳,۰۰۸
۱۴۰۳	۱۴,۸۵۳	۲۵,۷۵	۱۹,۳۱۶	۲۶,۷۰	۳۴,۱۶۹
ده ماه اول ۱۴۰۴	۱۰,۹۱۸	–	۱۳,۴۳۰	–	۲۴,۳۴۷

منبع: (گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان توسعه تجارت، ۱۴۰۵)

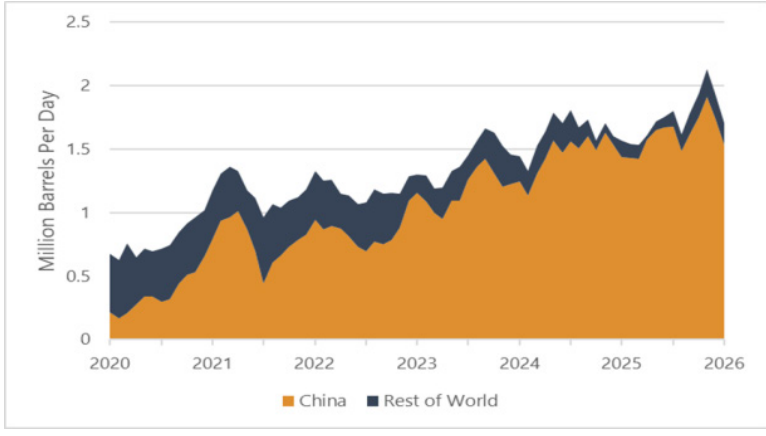
1. Strategic partnership
2. Limited Cooperation
3. Broad Strategic Partnership

آنچه در بخش تجارت مهم است، این است که علی‌رغم تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ علیه همکاری تجاری با ایران، اما تجارت پکن–تهران بدون توجه به فشارهای واشینگتن ادامه پیدا کرد.

سرمایه‌گذاری؛ داده‌های رسمی چین نشان می‌دهد که مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور در ایران تا پایان سال ۲۰۲٤ به ٤.۵ میلیارد دلار آمریکا رسیده است. بااین‌حال، سرمایه‌گذاری چین در ایران در مقایسه با سرمایه‌گذاری این کشور در عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ترکیه بسیار ناچیز است (Zhang, 2026: 2).

خرید نفت؛ در سال ۲۰۲۵ حدود ۵۵ درصد از کل واردات نفت چین از خاورمیانه بود که تقریباً ۱۱ درصد آن از مبدأ ایران بود. اغلب واردات نفت چین از خاورمیانه باید از تنگه هرمز عبور کنند (EIA, 2026). چین بیش از ۹۰٪ نفت ایران را از طریق «ناوگان سایه[1]» و پالایشگاه‌های «تی‌پات[2]» خریداری می‌کند (Xiaotong, 2026) که ارزش صادرات آن در سال ۲۰۲۵ تقریباً ۳۱,۲ میلیارد دلار بود. بااین‌حال، نفت خام ایران تنها حدود ۲ درصد از کل سبد انرژی چین را تشکیل می‌دهد.

نمودار (۱): مقصد صادرات نفت خام ایران (ژانویه ۲۰۲۰ تا ژانویه ۲۰۲٦)



(Tanker Tracker, 2026)

1. Dark fleets

2.Teapot

اکنون نهادهای چینی با اقدامات پیچیده در مراحل مختلف واردات نفت ایران و تسهیل پرداخت آن دخیل هستند. استمرار خرید نفت از ایران و بی‌توجهی پالایشگاه‌های چینی به تحریم‌های آمریکا مهم‌ترین اقدامات پکن است. باوجود همکاری چین در خرید نفت ایران، صادرات نفت به چین بر مسیرهای محدود و شبکه‌های پر ریسک مالی و تجاری متکی است که اقتصاد ملی را در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر می‌کند (United Against Nuclear Iran, 2025). به‌عنوان‌مثال، هرگونه محدودیت در شبکه صادرات نفت ایران به چین اعم از تحریم‌های ثانویه، محدودیت دسترسی به بنادر و فشار بر شبکه‌های مالی می‌تواند بر اقتصاد داخلی ایران اثر منفی بگذارد. همچنین، شرکت‌های بزرگ پالایشگاهی دولتی چین، نظیر «ساینوپک»[1] و «پتروچاینا[2]» سال‌هاست که از خرید نفت ایران پرهیز کرده و این تجارت را به پالایشگاه‌های مستقل و کوچک‌مقیاس موسوم به «تی‌پات» واگذار کرده‌اند؛ پالایشگاه‌هایی که پیوند چندانی با سیستم مالی جهانیِ مبتنی بر دلار ندارند و بهتر می‌توانند از جریان‌های تحریم‌های ثانویه آمریکا در امان باشند.

نهادهای اقتصادی بین‌المللی؛ چین با تسهیل ورود ایران به نهادهای چندجانبه جایگزین، ازجمله سازمان همکاری شانگهای (SCO) در سال ۲۰۲۳ و بریکس در سال ۲۰۲٤، به کاهش انزوای بین‌المللی تهران کمک کرده است (U.S.China Economic and Security Review Commission,2025: 2). اکنون ایران عضوی از گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای تحت رهبری چین است که از تلاش پکن برای تضعیف نفوذ ایالات‌متحده و تقویت اعتبار خود به‌عنوان قهرمان جنوب جهان حمایت می‌کنند. عضویت در این سازمان‌ها، ایران را به همسویی نزدیک‌تر با چین و روسیه سوق می‌دهد و به هدف چین در استفاده از آن‌ها برای ترویج هنجارهای غیر لیبرال، کمک به کاهش تأثیر ابزارهای تحریم و هماهنگی در مسائل امنیتی کمک می‌کند. به‌عنوان‌مثال، پس از جنگ علیه ایران توسط ایالات‌متحده و اسرائیل در سال ۲۰۲۵، بریکس بیانیه‌ای صادر کرد که در آن «نگرانی شدید» خود را ابراز کرد

1 - Sinopec

2 - PetroChina

(Ionova,2026). همچنین ایران در سال ۲۰۱۵ عضو «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا[1]» به رهبری چین است که پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی و توسعه را جهان حمایت می‌کند.

تحریم؛ پکن اقدامات دیپلماتیک حمایت‌گرایانه همچون؛ مخالف با قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام علیه ایران انجام داده است. به‌عنوان نمونه، چین و روسیه در بیانیه مشترک ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ بر منقضی شدن قطعنامه ۲۲۳۱ و پایان یافتن صلاحیت رسیدگی شورای امنیت به پرونده هسته‌ای ایران تأکید کردند. در امتداد حمایت سیاسی، در حوزه عملیاتی نیز اقداماتی ضد تحریمی در حمایت از ایران انجام داده‌اند. طراحی چین این است که نفت ایران را توسط مجموعه‌ای از پالایشگاه‌های مستقل «تی‌پات» وارد کند که عمدتاً از سیستم مالی بین‌المللی جدا شده‌اند تا میزان مواجهه آنها با تحریم‌ها به حداقل برسد. به‌صورت کلی، چین و هنگ‌کنگ نقش مهمی در تسهیل پرداخت برای فعالیت‌های تحریم شده ایران ایفا می‌کنند(Ayres & Tsering, 2025: 2).

در آخرین اقدام عملی، وزارت بازرگانی چین[2] اجرا یا رعایت تحریم‌های آمریکا علیه پنج شرکت چینی شامل؛ پالایشگاه هنگلی پتروشیمی (دالیان)[3]، گروه پتروشیمی جینچنگ شاندونگ[4]، گروه شیمیایی هبئی شینهای[5]، پتروشیمی شوگوانگ لوکینگ[6] و شیمیایی شاندونگ شینگ‌شینگ[7] به دلیل مشارکت و همکاری نفتی با ایران را ممنوع کرد (Xinhua, 2026). پکن علاوه بر مدیریت دور زدن تحریم‌ها به‌صورت آهسته و تدریجی، به‌سوی ایجاد سازوکارهای حقوقی، سیاسی و مالی برای کاهش اثرگذاری تحریم‌های آمریکا حرکت کرده و در برخی مواقع همچون تصمیم وزارت بازرگانی چین برای حمایت از شرکت‌های تحریم شده از سوی آمریکا با بیان صریح بر عدم رعایت تحریم‌های آمریکا ذیل «عملیات

1. Asian Infrastructure Investment Bank
2. Ministry of Commerce
3. Hengli Petrochemical Dalian Refinery Co Ltd
4. Shandong Jincheng Petrochemical Group Co. Ltd
5. Hebei Xinhai Chemical Group Co. Ltd
6. Shandong Shouguang Luqing Petrochemical Co. Ltd
7. Shandong Shengxing Chemical Co. Ltd

طرد اقتصادی» ایران تأکید کرده است. چین در عرصه سیاسی با تحریم‌های ثانویه آمریکا مخالفت کرده و ازآنچه منافع تجاری مشروع خود می‌داند، دفاع می‌کند. در عرصه عمل برای همکاری اقتصادی ضد تحریمی نیز گام‌های برداشته است. بااین‌حال، بر مبنای رفتار پیشین چین، بانک‌های بزرگ و شرکت‌های دولتی بزرگ چین نسبت به خطرات ناشی از تحریم‌ها بسیار هوشیار و محتاط هستند.

آنچه مشخص است، در حوزه اقتصادی و تجاری روابط طرفین حفظ‌شده است. چین شریک اول تجاری ایران، خریدار اصلی نفت ایران، اولین کشور سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. همکاری اقتصادی در سطح نهادهای بین‌المللی همانند ائتلاف بریکس و سازمان شانگهای در حال گسترش است، در سطح نهادهای جهانی و منطقه‌ای سیاست‌های نسبتاً هماهنگی دارند و اقدامات عملی ضد تحریمی اقتصادی از سوی چین برای حمایت از ایران انجام‌گرفته است.

۴. اهمیت ژئواکونومیک ایران برای چین: دوگانه «حامی و محتاط»

٤. ١. اهمیت ژئواکونومیک ایران در رویکرد کلان چین

مهم‌ترین دلایل اهمیت ایران برای سیاست خارجی چین از دو جنبه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نشات می‌گیرد:

ژئوپلیتیک؛ از منظر ژئوپلیتیک، موقعیت ایران در خلیج‌فارس و نقش آن در نظم امنیتی منطقه خاورمیانه این کشور را به کانون لجستیکی حیاتی در چشم‌انداز راهبردی چین تبدیل کرده است. به‌عنوان کشوری با موقعیت جغرافیایی کلیدی در راهبرد «جنوب جهانی[1]» چین نقشی برجسته دارد که می‌تواند در پیوند دادن مسیرهای تجاری زمینی و دریایی نیز نقش ایفا کند. موقعیت راهبردی ایران در امتداد تنگه هرمز، عامل مهم دیگری است که توجه چین به ایران را در راستای منافع ژئوپلیتیک پکن در خاورمیانه تقویت می‌کند (Andersen, 2023: 81-90). ایران به‌واسطه دسترسی به آبراه‌های منتهی به منطقه‌ایندو–پاسیفیک[2] –که بر مسیرهای تجاری حیاتی تحت نظارت ایالات‌متحده قرار دارند–، امنیت غرب چین، نظم امنیتی منطقه آسیای جنوبی و آسیای مرکزی، مبارزه با تروریسم و غیره برای چین

1. Global South

2. Indo-Pacific

اهمیت ژئوپلیتیک دارد.

ژئواکونومیک؛ اهمیت اقتصادی ایران ریشه در پیوندهای ژئوپلیتیک آن دارد. ایران برای امنیت انرژی چین نقش مهمی در منطقه خاورمیانه دارد، در سیاست «متنوع سازی» واردات انرژی آن کشور نقش مهم دارد و در ابتکارات اقتصادی چین ازجمله «کمربند و راه» و «جاده ابریشم دیجیتال» از نقش راهبردی برخوردار است (Figen Aydin, 2026: 1). بیش از ۶۳ درصد از نیازهای نفتی چین متکی به واردات دریایی است و نیمی از واردات چین از طریق تنگه هرمز انجام می‌شود (Soni & Allen, 2026).

با تلفیق اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران برای چین، آن کشور چهار هدف اصلی را در خاورمیانه دنبال می‌کند: تضمین تأمین انرژی، ایمن‌سازی مسیرهای کشتیرانی دریایی برای دسترسی به بازارهای اروپا، پیگیری روابط متوازن با ایران و پادشاهی‌های حوزه خلیج‌فارس و پیشبرد و توسعه پروژه‌های همکاری اقتصادی (مالی، سرمایه‌گذاری، کریدورهای اقتصادی). با این رویکرد کلی که منطقه‌ای باثبات‌تر، قدرت مانور چین را برای رهایی از نفوذ ایالات‌متحده بازتر می‌گذارد(Miquel, 2026: 3)؛ بنابراین، اهداف پکن در رابطه با ایران بخشی از راهبرد گسترده‌تر آن کشور در خاورمیانه برای تأمین و تنوع‌بخشی به منابع نفت چین، رویکرد متوازن اقتصادی و سیاسی، تضمین امنیت کشتی‌رانی و پیشبرد پروژه‌های اقتصادی است.

٤. ٢. چین به‌عنوان کنشگر حامی ایران: ملزومات سیاسی و اقتصادی

همکاری اقتصادی و حمایت سیاسی چین از ایران در چارچوب راهبرد بلندمدت پکن برای محدود کردن تدریجی ابزار تحریم اقتصادی ثانویه آمریکا، بین‌المللی شدن یوآن، کاهش وابستگی اقتصاد جهانی به نظام مالی دلاری و ایجاد نظام اقتصاد جهانی چندجانبه و متوازن است. حمایت از ایران بخشی از راهبرد بلندمدت برای بازتعریف نقش خود به‌عنوان کشور «قاعده‌گذار»، «نظم‌ساز» و طراح حکمرانی اقتصادی و مالی بین‌المللی است. افزایش تعاملات چین با ایران نشان می‌دهد که تهران دیگر صرفاً یک مسئله منطقه‌ایِ محدود به سیاست‌های خاورمیانه نیست. در دورانی که با تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ و تغییر سریع نظم جهانی تعریف می‌شود، ایران به بخشی از محاسبات ژئوپلیتیکِ

کلان‌ترِ پکن بدل شده است(Ernada, 2026). چین، ایران را به‌عنوان شریکی برای ایجاد تعادل در نفوذ ایالات‌متحده در خاورمیانه، تلاش برای فرسایش نظم جهانی به رهبری ایالات‌متحده و به‌عنوان یک تأمین‌کننده کلیدی منابع انرژی ارزان‌قیمت می‌بیند (Ayres & et al, 2026: 1-2).

از دیدگاه پکن، شکست ایران در جنگ با آمریکا برای منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن کشور در خاورمیانه پرهزینه خواهد بود. در صورت شکست ایران، کشورهای منطقه دوباره به مدار چتر امنیتی آمریکا باز خواهند گشت. چنین وضعیتی به نفوذ رو به رشد اقتصادی چین در منطقه ضربه می‌زند، سرمایه‌گذاری‌های آینده آن کشور در زمینه فناوری‌های پیشرفته (جی ۵، هوش مصنوعی و صنایع دفاعی نوین) را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شاهراه بزرگ انرژی واردات چین در اختیار آمریکا قرار می‌گیرد. مضافاً پیروزی آمریکا بر ایران واشینگتن را برای تغییر رژیم در دیگر کشورهای شریک چین مصمم‌تر می‌کند و مسئله‌ای محافظت از منافع چین در خارج از کشور را به‌طور فزاینده‌ای دشوار می‌کند (Xiaotong, 2026)؛ بنابراین، تضعیف ایران و قرار گرفتن در مدار سیستم آمریکایی خطر محسوب می‌گردد؛ زیرا که برای پکن صرفاً روابط تجاری باقی می‌ماند.

جایگاه ایران از منظر تاب‌آوری اقتصادی–اجتماعی، تقابل و دوام نظامی در مقابل آمریکا، ایفای نقش مؤثر در نظم منطقه‌ای خاورمیانه در تقابل نظم آمریکایی–عبری برای پکن مهم است. همچنین نقش ایران در پساجنگ به‌عنوان «سپر امنیتی» و «هاب لجستیکی» برای کریدورهای اقتصادی چین، امنیت انرژی، مدیریت تنگه هرمز و باب‌المندب در مقابل تهدیدات آمریکا در تنگه مالاگا و تایوان، عدم تسلط نظم آمریکایی–عبری، قدرت مانور آمریکا در آبراهه‌های تجاری چین، تقویت رویکرد ضد هژمونی، توسعه چندجانبه‌گرایی و تأثیر منفی بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری چین مهم است.

از منظر پکن، تضعیف و فروپاشی ایران در نتیجه حمله نظامی آمریکا و اسرائیل، تحریم‌های حداکثری، تجزیه و فرسایش داخلی می‌تواند نقش راهبردی ایران را تغییر دهد و به نظم جدیدی در منطقه خاورمیانه منتهی شود که در آن نظم مطلوب آمریکایی–عبری در قالب پیمان ابراهیم، هندو–ابراهیمی و کریدور آیمک گسترش می‌یابد. در این حالت آینده حضور چین در نظم امنیتی منطقه، امنیت انرژی و حتی امنیت غرب چین با سازمان‌دهی گروه‌های تروریستی تضعیف می‌گردد. شکل‌گیری نظم مطلوب

آمریکا در منطقه خاورمیانه، تمرکز آن را برای مهار چین در هندو-پاسیفیک و اوراسیا افزایش می‌دهد. به‌صورت کلی تضعیف ایران، مبنای سیاست «موازنه» چین را در خاورمیانه را به سودمحور آمریکایی-عبری را سست می‌کند. استقرار نظم غربی-عربی به همان میزان که منافع حیاتی و امنیتی ملی ایران را هدف قرار داده، منافع حیاتی و بلندمدت چین به‌ویژه نظم چندقطبی و پروژه‌های زیرساختی را هدف قرار داده است.

به‌صورت کلی، ایران برای چین از چند جهت اهمیت دارد؛ امنیت انرژی، امنیت غرب چین، نظم امنیتی منطقه خاورمیانه و تضعیف نظم آمریکایی-عبری و کریدورهای اقتصادی پروژه‌های زیرساختی با محور اتصال زمینی از آسیای مرکزی).

٤. ٣. دیپلماسی «محتاط و صبر راهبردی» بر مبنای رویکرد متوازن

باوجود مزیت‌های جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای پکن، پکن برای تنظیم سیاست اقتصادی با ایران براساس منطق «محتاطانه و عمل‌گرایانه» خود رفتار می‌کند. توانایی چین برای حمایت همه‌جانبه از ایران نسبت به میزان منابع و عزمی که حاضر است به این امر اختصاص دهد، محدود است. چین خود را در اتحاد محکم و پرهزینه با ایران نمی‌بیند و سطح حمایت‌های آن حد و حدود مشخصی دارد.

٤. ٣. ١. دیپلماسی اقتصادی «متوازن و محتاط» چین به منطقه خاورمیانه

رویکرد چین به منطقه خاورمیانه در چارچوب راهبردِ مصون‌سازی/پوشش ریسک[1] تعریف‌شده است. عمل‌گرایی اقتصادی، گزینش سیاسی و بی‌طرفی دیپلماتیک از شاخص‌های تعیین‌کننده رویکرد پکن در خصوص کشورهای منطقه است. روابط متوازنی در حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، ابتکار کمربند و راه و انرژی با کشورهای ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سایر کشورهای خلیج‌فارس برقرار کرده است (Haider Bukhari & Gill, 2026: 33). پکن در چارچوب این راهبرد توانسته است بین دولت‌های رقیب و دولت‌های کوچک و بزرگ در منطقه غرب آسیا تعادل

1 -Hedging

و توازن ایجاد نماید. به‌عنوان‌مثال، به‌صورت هم‌زمان با دولت‌های رقیب عربستان سعودی و امارات متحده عربی، دولت‌های رقیب ج.ا.ایران و عربستان سعودی، دولت‌های رقیب قطر و امارات متحده عربی همکاری دارد (Chen, & et al, 2023).

با امعان نظر به منافع اقتصادی گسترده چین در سراسر خاورمیانه، این کشور حمایت خود از ایران را با سایر شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری مهم در منطقه متعادل می‌کند. در سال ۲۰۲۵، چین ۱۰۸ میلیارد دلار تجارت دوجانبه با عربستان سعودی و ۱۱۱ میلیارد دلار با امارات متحده عربی ثبت کرد، درحالی‌که این رقم با ایران حدود ۳۰ میلیارد دلار بدون احتساب نفت بود. این کشور تلاش می‌کند تا مشارکت خود با ایران را در برابر تجارت قابل‌توجه خود با کشورهای خلیج‌فارس و غرب متعادل کند. کشورهای عربی خلیج‌فارس فرصت‌های بسیار بیشتری را نسبت به ایران در بخش سرمایه‌گذاری، فناوری و دسترسی به بازار را برای شرکت‌های چینی فراهم می‌کنند. مضافاً یکی از ستون‌های راهبرد خاورمیانه‌ای چین بر این مبنا استوار شده که کشورهای حوزه خلیج‌فارس – به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی – بیش از این به واشنگتن وابسته نشوند(Song, 2026: 1).

درنهایت، چین به‌عنوان بازیگری عمل می‌کند که خواهان حفظ وضع موجود است و ثبات را بر تغییرات بنیادین ترجیح می‌دهد. این کشور می‌کوشد خود را به‌عنوان قدرتی جهانی، مسئولیت‌پذیر و میانجی صلح معرفی کند، اما همواره از پذیرش هزینه‌ها و تعهدات ناشی از میانجی‌گری مستقیم یا دخالت نظامی پرهیز می‌نماید. چنین رویکرد گزینشی به پکن کمک می‌کند تا ضمن حفظ اعتبار خود نزد بلوک‌های گوناگون، خطر درگیر شدن در پیامدهای نظامی یا اقتصادیِ ناشی از تشدید احتمالی تنش‌ها را نیز به حداقل برساند (Kilic, 2026: 2-3). به‌طور دقیق‌تر، رفتار چین نسبت به کشورهای خاورمیانه بر مبنای توازن مدیریت‌شده در شرایط تنش ژئوپلیتیک استوار است. در اینجا، پکن قصد دارد تا در عین حفظ گزینه‌های ژئوپلیتیکی بلندمدت، میزان مواجهه با شوک‌های بالقوه را به حداقل برساند (Kilic, 2026: 1-2). اگرچه چین «استقلال راهبردی[1]» و چندقطبی بودن را ترویج می‌کند، اما همچنان به زیرساخت‌های انرژی، تجارت جهانی، فضای مانور برای توسعه سرمایه‌گذاری جهانی،

1 - Strategic Autonomy

گسترش کلان پروژه‌های همچون ابتکار کمربند و راه، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار تمدن جهانی، ابتکار حکمرانی جهانی، ابتکار امنیت جهانی، ابتکار جاده ابریشم دیجیتال نیازمند است. بر این مبنا در تنش‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه بر محدود کردن خطرات برای خود و بر تبدیل بی‌ثباتی منطقه‌ای به یک مزیت راهبردی تمرکز دارد. پکن رویکردی محتاطانه برای جلوگیری از به خطر انداختن روابط با سایر شرکای خاورمیانه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی دارد که در قالب «دوست همه و دشمن هیچ‌کس» نمود پیداکرده است.

٤. ٣. ٢. رویکرد محتاط دیپلماسی سیاسی و اقتصادی چین نسبت به ایران

پکن به دلایل ژئوپلیتیکی و راهبردی همچون؛ نقش ثانویه خاورمیانه در سیاست خارجی آن، عدم تنش ژئوپلیتیکی با آمریکا و غرب، سیاست متوازن با کشورهای جنوب جهانی، تکیه‌بر سیاست عدم‌مداخله امنیتی و عمل‌گرایی اقتصادی سطح روابط با ایران را «مشارکت راهبردی» تعریف نموده است. تا زمانی که ایران درگیر تحریم‌ها، ضعف اقتصادی و تنش‌های منطقه‌ای باشد، چین همواره بااحتیاط عمل خواهد کرد. امری که عملیاتی نمودن انتظارات تهران را برای پکن دشوار می‌سازد (Hongda, 2026:1). هونگ‌دا فان[1]، مدیر «مرکز چین و خاورمیانه[2]» در دانشگاه شائوشینگ چین، اظهار کرد: «چین با در نظر داشتن منافع گسترده جهانی، تنها می‌تواند فعالانه برای کاهش تنش در مناقشه میان آمریکا و ایران تلاش کند، نمی‌تواند و نمی‌خواهد که به خاطر ایران، وارد رویارویی شدید با ایالات‌متحده شود» (Power, 2026). از دیدگاه چین، سناریوی مطلوب راهبردی، حفظ تنش کنترل‌شده است؛ وضعیتی که در آن ایران خصومت غیرمستقیم خود را با اسرائیل و ایالات‌متحده حفظ کند و ایالات‌متحده نیز به دلایل امنیتی در منطقه حضور و درگیری کافی داشته باشد، بی‌آنکه کار به جنگی گسترده‌تر بکشد.

در این راستا، در جنگ ۳۹ روزه، پکن «سیاست بی‌طرفی» را اتخاذ کرد. پکن تلاش‌های دیپلماتیکی برای تأثیرگذاری بر روند امور انجام داده، اما نه آشکارا از ایران حمایت کرده و نه چالشی جدی برای اسرائیل یا ایالات‌متحده ایجاد کرده است (Figen Aydin, 2026: 3).در عوض، چین رویکردی

1 - Hongda Fan

2 - China-Middle East Center

محتاطانه را برگزیده و دیپلماسی بی‌سروصدا را ترجیح داده است؛ روشی که می‌تواند بدون رویارویی علنی، نتایجی به همراه داشته باشد. این موضع بی‌طرفانه را می‌توان نوعی راهبرد ایجاد توازن دانست.

نتیجه سیاست کلان چین نسبت به ایران در مفاهیمی شامل؛ «جانب‌داری آشکار در گفتار»، «عمل‌گرایی محتاط و صبر راهبردی در رفتار»، رویکرد «شریک همه، متحد هیچ‌کس» و «همکاری بدون اتحاد[1]» قابل‌تعریف است (Au-Yeung, & Tagirova, 2025: 463). در این راستا، حمایت پکن از تهران در دوره پساجنگ در توازن با سایر روابط این کشور در منطقه قرار دارد (Pwer, 2026). اینکه روابط ایران و چین به سطح اتحاد راهبردی نرسیده است، نتیجه چارچوب‌های راهبردی و حدود تعیین‌شده آن برای خاورمیانه و ایران است. از این منظر تقلیل عدم گسترش روابط به «بوروکراسی غرب‌گرای داخلی ایران» و «عوامل واگرایی داخلی» منطبق بر واقعیت‌های موجود و راهبردهای چین نسبت به ایران نیست.

مجموع این عوامل باعث گردید رویکرد چین نسبت به جنگ و تنظیم سیاست آن نسبت به ایران در قالب مفاهیمی همچون؛ «مدیر محتاط»، «مدیریت ریسک سیاسی_امنیتی»، «انتظار و احتیاط»، «صبر راهبردی»، «میانجی گر فعال بدون تعهد»، «نظاره‌گر»، «سهام‌دار مسئول هنجارهای عام» تعریف گردد که فاقد اقدام عملی یا معرفی خود به‌عنوان «کنشگر حامی» برای ایران بود.

سیاست محتاط چین در ارتباط با ایران در دوره قبل از جنگ و پساجنگ دو شاخصه مهم دارد:

عدم ورود شتاب زاده چین به همکاری اقتصادی و نظامی با ایران؛ درک عمیق چین از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه در گذر تاریخ باعث شده تا چین به دنبال رویکرد باثبات و متوازن در منطقه باشد نه عامل تشدیدکننده تنش. مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی چین عبارت‌اند از: اول؛ نحوه تنظیم روابط با آمریکا و سازمان‌دهی آن به‌عنوان حوزه تعیین‌کننده، دوم؛ کشورهای پیرامونی، همسایه و قدرت‌های رقیب نزدیک به‌عنوان اولویت، سوم؛ کشورهای درحال‌توسعه و جنوب جهانی و چهارم؛ نهادهای چندجانبه به‌عنوان عرصه نفوذ. بر این مبنا، سطح مداخله و هزینه‌های سیاست خارجی در کشورهای همسایه، تنظیم روابط با رقبای نزدیک همچون ژاپن و هند و نحوه روابط با آمریکا در اولویت سیاست خارجی این کشور است. عدم‌حمایت همه‌جانبه اقتصادی از سوریه در دوره بشار اسد

1 - Non-alliance policy

و عدم ورود مستقیم به مسئله سوریه پسا بشار اسد علی‌رغم مشکل امنیتی اویغورها و عدم‌حمایت مستقیم از روسیه در جنگ اوکراین علی‌رغم رابطه راهبردی با آن کشور ناشی از اولویت‌های راهبردی و چارچوب‌های سیاست خارجی چین است؛ بنابراین چنین پیشینه‌ای از سیاست خارجی چین نشان می‌دهد که نباید انتظارات بیش از واقعیت‌های موجود از طرف چینی داشت.

دلایل چین برای عدم ورود شتاب زاده به رابطه با ایران عبارت‌اند از: مدیریت رابطه با آمریکا و تحریم، وجود دولت‌های مکمل همسو در سبد اقتصادی چین، سرعت توسعه همکاری شرکای منطقه‌ای ایران ازجمله عربستان، ترکیه، امارات، پاکستان، عراق، برخی پرونده‌های مورد اختلاف در منطقه غرب آسیا همچون تنش عربستان و امارات با یمن، مسئله جزایر سه‌گانه ایرانی و همسویی با عربستان و امارات در این پرونده‌ها، عدم پذیرش ریسک کامل همکاری با ایران از سوی چین، مشارکت چین در نهادهای بین‌الملل به‌عنوان بازیگر ضابطه پذیر.

عدم نقش موازنه ایران همانند دیگر شریک راهبردی چین؛ چین برای همکاری همه‌جانبه با دولت‌های پر ریسک در جهان ملاحظه دارد. به دلیل ملاحظات سیاست خارجی کم‌تر به اتحاد راهبردی ورود کرده است. بااین‌وجود، پاکستان به دلیل نقش موازنه در برابر هند و روسیه به دلیل موازنه در برابر آمریکا حائز اهمیت هستند؛ درصورتی‌که ایران از چنین نقشی برخوردار نیست، فروش جنگنده‌های نسل جدید به‌ویژه مطرح‌شدن جنگنده نسل چهار و نیم چنگدو J-10[1] به پاکستان در این راستا انجام می‌گیرد. اگرچه تهران در رویکرد جهانی پکن نقش مهمی ایجاد می‌کند، اما پکن به دلیل عدم تمایل به رویارویی مستقیم با آمریکا و درگیر شدن در چالش‌های امنیتی کم‌تر به مشارکت با ایران در سطح «اتحاد راهبردی» تمایل داشته است.

٤. ٣. ٣. حوزه سرمایه‌گذاری: نمونه رویکرد دیپلماسی اقتصادی محتاط چین نسبت به ایران

رویکرد چین در حوزه سرمایه‌گذاری یکی از نمونه‌های اتخاذ سیاست محتاط چین در جهان و نسبت به ایران است. در حوزه سرمایه‌گذاری، سیاست چین از سال ۲۰۱۷ و براساس سند «نظرات راهنما درباره هدایت و استانداردسازی بیشتر برای سرمایه‌گذاری خارجی» توسط شورای دولتی چین

1 - Chengdu J-10

و «روش‌های مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌ها» توسط کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی به‌تدریج از سیاست «تشویق خروج سرمایه» به‌سوی «سرمایه‌گذاری خارجی کنترل‌شده، انتخابی و همراه با ارزیابی ریسک» حرکت کرد (Ministry of Commerce of the People's Republic of China, 2024). در این راهبرد، پروژه‌های خارجی علاوه بر اهمیت راهبردی، لازم است توجیه اقتصادی و قابلیت بازگشت سرمایه داشته باشند و ازنظر مالی، امنیتی و سیاسی قابل مدیریت باشند تا از سرمایه‌گذاری پر ریسک و غیرمنطقی جلوگیری شود (Zhou, 2026). همچنین وزارت بازرگانی چین به‌عنوان متولی سرمایه‌گذاری خارجی رویکرد خود را از افزایش تعداد پروژه‌ها به‌سوی «سرمایه‌گذاری باکیفیت بالا» تغییر داده است. بیمه اعتبار صادراتی چین (ساینوشور) روش نظارت و مدیریت خود را برای ارزیابی خسارت، تمرکز بر ریسک و ریسک‌های بیمه‌ای تقویت کرده است. در بخش رویکرد سرمایه‌گذاری، پکن رویکرد «حضور جهانی مدیریت‌شده» را جایگزین «حضور جهانی گسترده» کرد که به سمت کنترل ریسک حرکت کرده است.

وجود مشکلات برای پروژه بندر هامبانتوتا در سریلانکا، مشکلات سرمایه‌گذاری در ونزوئلا، مسائل امنیتی و تروریستی برای پروژه‌های چینی در پاکستان موجب گشته تا این کشور سه عنصر مهم شامل اهمیت راهبردی، توجیه اقتصادی و مدیریت ریسک را برای سرمایه‌گذاری کلان در خارج در نظر داشته باشد. در این راستا، ایران در راهبرد جدید سرمایه‌گذاری چین مقصد غیرقابل همکاری نیست و از لحاظ راهبردی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اما دارای اهمیت راهبردی با ریسک بالا محسوب می‌گردد. با عنایت به سیاست سرمایه‌گذاری خارجی چین و تأکید بر کنترل و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در خارج و عوامل پرریسکی شامل؛ تحریم، مبادلات رسمی مالی، مشکلات انتقال ارز، افزایش بیمه و جنگ کنونی این کشور برای ورود به بازار ایران محتاط عمل کرده است؛ چراکه ایران در زمره کشورهای پر ریسک در چارچوب راهبرد جدید سرمایه‌گذاری خارجی قرار خواهد گرفت. به بیان روشن‌تر، ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، انرژی و غیره برای چین دارای اهمیت راهبردی است، اما ریسک‌های موجود در انطباق با راهبرد جدید چین، مانع از تبدیل‌شدن این ظرفیت‌ها به سرمایه‌گذاری واقعی است و سختگیری بیشتری از سوی نهادهای چینی برای حضور در اقتصاد ایران اعمال‌شده است.

از این منظر، به دلیل اینکه ایران هنوز ارزش ژئوپلیتیکی لازم برای تحمیل هزینه تقابل مستقیم با واشینگتن را پیدا نکرده است، ظرفیت‌های شرکت‌های بزرگ نفتی و بانک‌های بزرگ خود را با ایران وارد اقدام عملی نکرده است. طی ادوار گذشته نگرش چین نسبت به برقراری روابط با ایران «تاکتیکی، کوتاه‌مدت و نوسانی» بوده و یکی از دلایل عدم شکل‌گیری همکاری توسعه‌محور نیز ناشی از همین منطق در سیاست خارجی چین است (کشوریان آزاد و غفاری‌زاده، ۱٤۰٤: ۹۲). در چشم‌انداز چین، ایران هم یک فرصت اقتصادی–نظامی و هم یک مخاطره ژئوپلیتیکی بوده که خود را در سطح اجرایی نشان داده است (Moreno, 2025: 1-4). به‌صورت کلی «مهندسی ادراک» پکن نسبت به ایران بر «تهدید مشترک» و «فرصت متقابل» استوار است.

۵. اهمیت چین برای «دیپلماسی بازآرایی اقتصادی ایران» در دوره پساجنگ

در دوره پس از جنگ ۳۹ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران (جنگ رمضان/جنگ تحمیلی سوم) اقداماتی همچون محاصره دریایی، طراحی تحریم‌های جدید از سوی آمریکا ازجمله کارزار موسوم به «عملیات طرد اقتصادی»[1] و «آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی تجاری–مالی» ایران به تنگه هرمز در صورت پایان جنگ آسیب‌های جدی را متوجه اقتصاد خارجی ایران کرده است. در دوره جنگ «امنیت اقتصادی[2]» به‌عنوان ستون «امنیت ملی» مطرح‌شده است. کشور چین به دلیل نقش آن در تبادلات اقتصادی ایران ارتباط مستقیمی با امنیت اقتصادی و امینت ملی دارد. یکی از کشورهای هدف «عملیات طرد اقتصادی» –که نهادهای تجاری، مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری کشورهای ثالث را به بهانه همکاری اقتصادی با ایران تحریم می‌کند– چین خواهد بود. همچنین، پکن در مقایسه با کشورهای دیگر همکار اقتصادی ایران، هم ازلحاظ حجم همکاری اقتصادی پیشتاز است و هم در اجرایی نمودن اقدامات عملی ضد تحریمی مصمم‌تر بوده است.

بنابراین جایگاه چین در دیپلماسی اقتصادی ایران از جهت کاهش هزینه‌های فزاینده، آسیب‌پذیری احتمالی، کاهش وابستگی ساختاری به درآمدهای نفتی، ایجاد مسیرهای متنوع، بلندمدت و تضمین‌شده

1.Economic Outcast Operation- Economic D-Day

2. Economic security

اقتصادی اهمیت دارد. به‌صورت مشخص از شش زاویه چین برای سیاست خارجی ایران در دوره پساجنگ اهمیت دارد:

اول؛ روابط ایران و چین به نسبت روابط ایران با دیگر شرکای بین‌المللی وضعیت مطلوبی دارد، نقش چین در بحران‌های سیاسی و اقتصادی کنونی ایران پررنگ است، از ظرفیت‌های چندبعدی (سیاسی، تجاری، مالی، پولی، انرژی، نظامی، تسلیحاتی) برای عبور از وضعیت بحرانی کنونی برخوردار است، به‌عنوان قدرت بزرگ می‌توان برای عبور از بحران به آن کشور تکیه کرد، پکن از وسعت بازار، ظرفیت صنعتی، تخصص در حوزه زیرساخت، توانمندی‌های فناورانه و منابع مالی برخوردار است که تهران برای بازسازی و توسعه بلندمدت خود به آن‌ها نیاز دارد.

دوم؛ با چهار اقدام حیاتی شامل؛ خرید نفت، مبادلات تجاری، تأمین مالی (فاینانس) و سرمایه‌گذاری مسیر پایدار تنفس اقتصادی کشور ایران در دوره پساجنگ است. اکنون چین بدون توجه به فشارهای ساختاری آمریکا سطح روابط را در حوزه‌های مذکور حفظ کرده است.

سوم؛ با برخی اقدامات تحریمی آمریکا علیه ایران مقابله مستقیم کرده است، حمایت سیاسی و دیپلماتیک مهمی همچون؛ وتوی قطعنامه‌های ضد ایرانی و عدم تبعیت از مکانیسم ماشه از ایران داشته است و زمینه حضور و فعالیت ایران را در نهادهای موازی نظم لیبرال فراهم کرده است. این اقدامات پیش‌زمینه «اعتماد متقابل» در روابط طرفین است.

چهارم؛ دو کشور در تغییرات ساختار جهانی و توزیع توانمندی قدرت در نظام بین‌الملل رویکرد سیاسی نسبتاً مشابه و همسو اتخاذ کرده‌اند که لازم است در دوره پساجنگ حفظ گردد.

پنجم؛ در وضعیت «نه جنگ نه صلح کنونی» گزینه‌های مطلوب همکاری در سیاست خارجی ایران اندک است، کشورهای جایگزین به نسبت چین دارای چالش‌ها و موانع بیشتری هستند. به‌عنوان‌مثال، کشورهای شامل روسیه، ترکیه، پاکستان، قزاقستان، افغانستان، عراق، عمان و دیگر کشورهای نوظهور که به‌عنوان کشورهای هدف در دوره پساجنگ مطرح هستند از ظرفیت محدودتری نسبت به چین برخوردار هستند و چالش‌های آن‌ها برای همکاری بیشتر است.

ششم؛ علی‌رغم توانمندی ایران در سطوح میدانی و تاکتیکی، برای ترمیم شکاف‌های اقتصادی، نظامی و موازنه در برابر تهدیدات دشمن، به شراکت راهبردی با قدرت بزرگی همچون چین در بستری گسترده‌تر نیازمند است. در پساجنگ علی‌رغم پارادوکس منافع چین و اتخاذ رویکرد محتاط، اشتراکات راهبردی و پنجره‌های فرصت همکاری بیش از گذشته خود را نشان داده‌اند. اشتراکات راهبردی فعلی شامل؛ مقابله طرفین با نظم آمریکایی–عبری منطقه، بازآرایی کریدورهای اقتصادی (انرژی، حمل‌ونقل، توسعه صنایع مکمل)، تقویت رویکرد ضد هژمونی چین، تضعیف «اعتبار سیاسی–نظامی» و «پرستیژ قدرت» آمریکا، تضعیف هژمونی دلار و امنیت انرژی بلندمدت است.

۶. راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران برای مواجهه با چین در دوره پساجنگ

پکن با خرید نفت، فراهم کردن سازوکارهای مالی جایگزین، تأمین فناوری و قطعات کلیدی برای اقتصاد و تقویت قوای نظامی ایران، راه پایدار اقتصادی در برابر فشارهای غرب برای تهران ایجاد کرد. از این منظر، چین فضای مانور بیشتری به ایران داد تا بتواند مخالفت ژئوپلیتیک خود با ایالات‌متحده و متحدانش در منطقه را دنبال کند. پکن می‌تواند در شرایط کم‌خطر از طریق تجارت، خرید نفت، سرمایه‌گذاری، حمایت دیپلماتیک، دسترسی به نهادهای چندجانبه و دسترسی به فناوری‌های با کاربرد دوگانه برای کشوری مانند ایران بسیار مفید واقع شود (Miquel,2026:1).

با امعان نظر به موارد مطروحه ازجمله سیاست حمایتی چین از ایران به دلیل منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، سیاست متوازن و محتاط چین نسبت به منطقه‌ی خاورمیانه و ایران و عدم ورود شتاب‌زده به همکاری اقتصادی و نظامی با ایران ضرورت دارد تا منطق سیاست خارجی ایران در دوره توافق و یا عدم توافق احتمالی با آمریکا در مواجهه با چین براساس واقعیت‌های موجود باز تنظیم گردد. ازیک‌طرف تضعیف ایران به مسئله امنیت انرژی، امنیت غرب چین، نظم امنیتی منطقه خاورمیانه، تضعیف نظم آمریکایی–عبری و ابتکار پروژه‌های زیرساختی آن در جهان آسیب می‌زند که بر مبنای آن تعمیق روابط راهبُردی و حمایت حداکثری چین از ایران مورد انتظار است، از طرف دیگر در عمل پکن سیاست «متوازن، محتاط و با دامنه مشخص همکاری» را با ایران برگزیده که در چشم‌انداز چین، ایران هم یک فرصت اقتصادی–نظامی و هم یک مخاطره ژئوپلیتیکی قلمداد می‌گردد.

اتخاذ راهبرد سیاست خارجی مناسب جهت تبدیل چین از «شریک راهبردی» به «متحد راهبردی»

بر مبنای واقعیت‌های موجود جایگاه ایران برای چین وزن راهبردی برای «حمایت پرهزینه» را ندارد. بااین‌حال، روابط طرفین علی‌رغم «تعامل سازنده و همکاری در ۵۰ سال اخیر»، مقطعی، نوسانی و با «دامنه مشخص» ادامه داشته است. به‌صورت کلی، از منظر سیاست خارجی ایران، جایگاه اصلی روابط اقتصادی متعلق به چین است، اما در نگاه پکن جایگاه ایران در اولویت قرار ندارد. برای اینکه این وضعیت تغییر کند، دیپلماسی اقتصادی ایران باید به‌گونه‌ای باز تنظیم گردد که بتواند چین به همکاری بلندمدت با ایران تشویق کرد. درواقع، برای تداوم رابطه بلندمدت و تضمین‌شده، لازم است تدبیر و راهبردی به کار گرفته شود تا سیاست پکن نسبت به ایران از حالت «محتاط»، «صبر راهبردی»، «میانجی گر فعال بدون تعهد» و «نظاره‌گر» به سیاست «حمایت‌گرایی قاطع» و «همکاری گسترده و قوی» تبدیل گردد.

ازآنجایی‌که رویکرد ایران به چین تبدیل سطح روابط طرفین از «شریک راهبردی» به «متحد راهبردی» است و پکن نقش اول را در سیاست بازآرایی اقتصادی ایران در دوره پساجنگ ایفا می‌کند، باید رویکرد سیاست خارجی ایران در شرایط توافق یا عدم توافق با آمریکا به‌گونه‌ای تنظیم گردد که به‌طرف چینی نشان داده شود، توسعه روابط اقتصادی با آن کشور برای ایران از اولویت اول برخوردار است و اطمینان داده شود که منافع اقتصادی طرفین ورای این مذاکرات مقطعی و تنش‌های کنونی به هم گره خورده است؛ بنابراین برای تبدیل تعهدات سیاسی میان ایران و چین به همکاری‌های عملی، به هماهنگی قوی‌تری و تعریف پروژه‌های کلان‌تر نیاز است.

مناسب است ایران در مواجهه با چین در دوره توافق یا عدم توافق احتمالی با آمریکا چهار ملاحظه زیر را در نظر بگیرد و بر مبنای آن روابط اقتصادی خارجی با چین را تنظیم نماید:

- اهمیت راهبردی ایران برای چین و نیازمندی چین به حفظ جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در شرایط فعلی با حفظ سطح مشارکت راهبردی نه اتحاد راهبردی.
- اتخاذ سیاست محتاط، صبر راهبردی، مصون‌سازی از سوی چین با تعیین حد و حدود

همکاری مشخص با ایران

- نقش چین در سیاست بازآرایی اقتصادی ایران در دوره پساجنگ در حوزه تجارت، خرید نفت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و ظرفیت تعریف سازوکارهای مالی
- چین مطلوب‌ترین گزینه سیاست خارجی ایران در شرایط فعلی از جنبه‌های مختلف

با در نظر گرفتن موارد مذکور، در دوره پساجنگ دو راهبُرد زیر برای دیپلماسی اقتصادی ایران قابل‌ارائه و برنامه‌ریزی است:

- رویکرد پراگماتیسم (عمل‌گرایی اقتصادی) با پیشبرد همکاری اقتصادی حداکثری در مواجهه با چین
- رویکرد «هجینگ/مصون‌سازی/پوشش ریسک» در حوزه دیپلماسی اقتصادی در مواجهه با چین.

٦. ١. رویکرد پراگماتیسم (عمل‌گرایی) مبنای دیپلماسی اقتصادی ایران در مواجهه با چین

بر مبنای دو رویکرد «نگاه به شرق» و «سیاست همسایگی» در سیاست خارجی ایران، جایگاه ویژه‌ای برای چین مشخص‌شده است. در چارچوب راهبُردهای مذکور، در سطح اعلامی و اعمالی تدابیر لازم برای همکاری با چین انجام‌گرفته است. به‌عنوان‌مثال در چارچوب رویکرد نگاه به شرق، در نهادهای چینی غیر غربی ازجمله سازمان همکاری شانگهای، گروه بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، تمایل به پیوستن به بانک توسعه جدید بریکس (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ١٤٠٥) حضور حداکثری دارد. از دیگر نشانگان همکاری حداکثری با چین، کثرت اعلام آمادگی برای همکاری در کمربند و راه، کثرت تمایل به همکاری در چارچوب سازوکار عالی و کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور، نشانه‌های مثبت متعدد برای همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری و تمایل برای افزایش نقش چین در نظم امنیتی منطقه است. در ادامه روند نشانه‌های مثبت، انتخاب نماینده ویژه در امور چین نشان از «رویکرد حداکثری برای همکاری با چین» است.

بر مبنای واقعیت‌های موجود و چالش‌های سیاست «یک‌سویه» به سمت چین، ضرورت دارد تا

سیاست حداکثری نسبت به چین بر مبنای رویکرد «عمل‌گرایی اقتصادی» دنبال گردد. پرهیز از دوگانه غیرواقع‌بینانه، تمرکز بر حوزه‌های مزیت دو کشور برای هم‌راستا نمودن چشم‌انداز توسعه‌ای، ترفیع جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری نسبت به چین با عبور از دوگانه ذینفعان داخلی مدنظر قرار گیرد. بر مبنای منطق عمل‌گرایی اقتصادی، رویکرد سیاست خارجی بر مبنای موارد و گزاره‌های ذیل تنظیم گردد:

٦. ١. ١. رویکرد ایجابی با دستاورد عملی-عینی

بازتعریف رابطه دوجانبه با رویکرد همکاری حداکثری

روابط دوجانبه ایران و چین از سطح واکنشی، نوسانی، مقطعی و نفت محور گذر کند و با هم‌راستا نمودن چشم‌انداز توسعه دو کشور و منافع مشترک همراه گردد. انتظارات غیرواقعی در سطح عمومی و نخبگانی کشور از چین تعدیل گردد؛ چراکه میان سطح انتظارات داخلی ایران از چین و راهبردهای همکاری و حمایتی چین در جهان هم‌خوانی وجود ندارد. راهبرد کلان چین پرهیز از تنش‌های غیرضروری و رویارویی هژمونیک زودهنگام با آمریکا است. به‌عنوان‌مثال، انتظار حمایت حداکثری چین از ایران در جنگ ۳۹ روزه و انتظار تقابل علنی چین با نظم آمریکایی، منطبق بر واقعیت‌های موجود روابط طرفین نیست. توقع حمایت آشکار همه‌جانبه، نامحدود و پرهزینه با چارچوب راهبردی پکن در عرصه بین‌الملل منطبق نیست. در سال‌های اخیر پکن از سرمایه‌گذاری پر ریسک در قالب طرح‌های همچون کمربند و راه فاصله گرفته و بر روی کشورها و حوزه‌های کم ریسک تر تمرکز کرده است، بر این اساس انتظار تأمین مالی پروژه‌های بزرگ در زمینه‌های کریدورهای اقتصادی، بندری، صنعتی، فناوری با راهبرد جدید این کشور در حوزه سرمایه‌گذاری سازگار نیست.

تداوم سیاست حداکثری با چین در حوزه اقتصادی

در وضعیت فعلی، با عنایت به اینکه چین در چهار حوزه «خرید نفت»، «تجارت»، «سرمایه‌گذاری» و «تأمین مالی» شریک اول کشور است، راهبرد بهینه در کوتاه‌مدت تعمیق روابط حداکثری با پکن در چهار حوزه فوق‌الاشاره است. در امتداد چهار حوزه مذکور، «ایجاد سازوکارهای مالی و پولی رسمی، با دوام و شفاف» نیز پیگیری گردد. ضروری است به نتایج ملموس منافع تجاری، تأمین مالی،

سرمایه‌گذاری و همکاری مالی-پولی اولویت داده شود. برای رسیدن به نتایج ملموس لازم است در پنج حوزه مشخص‌شده فوق راهبرد «وابستگی متقابل پیچیده اقتصادی» با طرف چینی دنبال گردد.

تعریف جایگاه ایران در طرح‌ها و ابتکارات چین

منطقه‌ی غرب آسیا و ایران در ابتکارت سیاست خارجی چین ازجمله کمربند و راه، «ابتکار توسعه جهانی[1]»، «ابتکار امنیت جهانی[2]»، «جاده ابریشم دیجیتال[3]»، «ابتکار تمدن جهانی[4]» و «ابتکار حکمرانی جهانی[5]» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، لذا دستگاه‌های متولی داخلی کشور ضروری است تا برنامه‌های کلان را در حوزه مختلف برای اثرگذاری مشخص و جزئی در سیاست‌های راهبردی کلان چین تدوین نمایند. چین اکنون سیاست‌های کلانی همانند توسعه جنوب_جنوب (صندوق جنوب_جنوب)، ابتکار توسعه جهانی، مجمع همکاری منطقه چین_اقیانوس هند درباره اقتصاد آبی را تأسیس نموده است که هدف آن توسعه و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای کشورهای درحال‌توسعه است، با عنایت به اصول این کلان‌راهبردها، ضروری است ایران در قالب چنین راهبردهایی با چین همکاری نماید. اصول و ابعاد این ابتکارها باسیاست‌های جهانی ایران همسو است. به‌عنوان نمونه، ایران می‌تواند به‌عنوان بازیگر مؤثر در ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی چین نقش داشته باشد. درواقع ایران باید نقطه اشتراک خود را با هر یک از این ابتکارت و طرح‌ها پیدا کند و به‌صورت دقیق و جزئی نوع همکاری با آن‌ها را آغاز نماید. لازم است، ایران جایگاه خود را به‌صورت ویژه در طرح‌های چینی تعریف نماید.

توسعه همکاری با چین در پروژه‌های راهبردی و بلندمدت

روابط طرفین براساس اصول مشترک، منافع محوری و تعهدات مشخص شکل نگرفته است,Azad)

1. Global Development Initiative(GDI)
2.Global Security Initiative (GSI)
3. Digital Silk Road (DSR)
4. Global Civilization Initiative(GCI)
5. Global Governance Initiative (GGI)

(2015: 237). با توجه به وضعیت شکاف در حال گسترش آمریکا با چین، شرایط تحریم ایران و ابتکارات راهبردی در سیاست خارجی مشارکت محور چین، لازم است ج.ا.ایران پروژه‌های با چین تعریف نماید که نقش منطقه‌ای ایران و جایگاه کشور را در زنجیره ارزش جهانی افزایش دهد، پروژه‌هایی که از جایگاه راهبردی در نظام جهانی و زنجیره ارزش جهانی برخوردارند. به‌عنوان نمونه پروژه توسعه بندرها، کریدورهای توسعه‌ای، پروژه‌های سرمایه‌گذاری فناوری، معادن و پتروشیمی و حوزه نوظهور انرژی تجدید پذیر و خودروهای برقی در سیاست‌های کلان سرمایه‌گذاری ج.ا.ایران با چین قرار گیرد. پروژه‌های عملیاتی در چارچوب پانزدهمین برنامه پنج‌ساله[1] توسعه چین است.

جانمایی دقیق در زنجیره تأمین منطقه‌ای و جهانی

در فضای تحول قدرت در نظام بین‌الملل زنجیره تأمین جهانی در حال تغییر است؛ یعنی شبکه بنگاه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها در زمینه تولید، تجارت، بازاریابی و توزیع دگرگونی را تجربه نموده که تحت تأثیر توزیع مجدد قدرت راهبری و حاکمیت کشورها بر ساختارهای ارزش جهانی است. درواقع، زنجیره ارزش جهانی با حضور کشورهای در حال ظهور و همچنین درحال‌توسعه صرفاً در اشکال غرب محوری بروز ندارد؛ بلکه به‌گونه‌ای آسیا محور، چین محور و حتی با محور کشورهای درحال‌توسعه فرآیند جدیدی را تجربه می‌کند. به‌عنوان‌مثال در بخش مالی، تجاری، فناوری، کریدورهای اقتصادی زنجیرهای ارزش بر محور آسیا در حال ظهور و پخش در پهنه‌ی جهانی است، برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت برای حضور مؤثر در زنجیره تأمین در حال تغییر جهانی برای جمهوری اسلامی ایران مهم است.

بهره‌مندی عملیاتی از نهادهای چینی غیرعربی

عضویت ایران در نهادهای چینی غیرعربی باید همراه با نتایج ملموس همراه باشد. به‌عنوان‌مثال پیشنهاد «بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای» برای تبدیل سازمان به نهاد اجرایی قدرتمند در معادلات اوراسیا پیگیری گردد. عضویت در بانک توسعه جدید بریکس پیگیری شود. البته تحقق چنین سازوکارهایی نیازمند اراده سیاسی قاطع دولت‌های عضو برای غلبه بر چالش‌های موجود و ریسک

1. 15th Five-Year Plan

ناشی از تحریم‌های ثانویه است. درهرحال، برای ایران سیاست حداکثری با چین باید دستاوردهای اقتصادی عینی به همراه داشته باشد. در غیر این صورت، سیاست حداکثری در نهادهای چینی نمی‌تواند چالش‌های روابط اقتصادی خارجی ایران را مرتفع نماید.

٦. ١. ٢. رعایت ملاحظات بنیادی سیاسی و اقتصادی مؤثر بر روابط طرفین

تنظیم سیاست خارجی ایران مبتنی بر واقعیت‌های نگرش جهانی چین

حمایت چین از ایران سقف مشخصی دارد و بر مبنای راهبرد کلان این کشور تعیین می‌گردد. پکن برای سطح همکاری و مداخله در مناطق جهان اولویت راهبردی تعیین کرده است. به‌عنوان‌مثال، در آوریل ۲۰۲۵ در کنفرانس «مرکزی امور کشورهای همسایه[1]» پکن تصمیم به اولویت قرار دادن کشورهای همسایه در راهبرد جهانی خود گرفت. تمرکز بر همسایگان باعث گردیده تا چین منابع محدودی را برای رقابت در منطقه خاورمیانه قرار دهد و این منطقه در زمره اولویت‌های ثانویه آن کشور قرار می‌گیرد. چین به خاورمیانه بیشتر به‌عنوان منبع انرژی و اقتصادی می‌نگرد. این منطقه برای چین به‌عنوان منبع انرژی و بازاری برای کالاهایش حائز اهمیت است، اما عرصه‌ای نیست که پکن بخواهد در آن همان میزان سرمایه سیاسی و نظامی را صرف کند که در مناطق نزدیک‌تر به مرزهای خود متمرکز کرده است (Song, 2026: 1-3).

هدف چین در خلیج‌فارس محدود و واقع‌گرایانه است: «حفظ جایگاه خود با کمترین هزینه و جلوگیری از پیوستن کامل کشورهای کلیدی عرب به اردوگاه ایالات‌متحده». چنانچه در جنگ ۳۹ روزه پکن از منافع خود محافظت کرد و از جانب‌داری مستقیم در جنگ پرهیز کرد (Azhari & Nakhoul, 2026: 1). اگرچه چین با حملات نظامی و تحریم‌های دولت ترامپ علیه ایران مخالفت کرد، اما روابط پکن با تهران تنها یکی از ملاحظات در سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود که نسبت به سایر اولویت‌های آن ضریب کم‌تری دارد. راهبرد پکن ایجاد توازن در روابط با کشورهای متعدد — ازجمله ایالات‌متحده و کشورهای حوزه خلیج‌فارس — است. این راهبرد تمایل چین را برای حمایت همه‌جانبه و پرهزینه از ایران محدود می‌کند. در این راستا، تنظیم سیاست خارجی اقتصادی باید براساس

1 - Central Conference on Work Related to Neighboring Countries

اندازه حمایت چین و واقعیت‌های سیاست خارجی آن تنظیم گردد. باید در نظر داشت که چین بیش از اینکه به ژئوپلیتیک ایران و حکومت آن متعهد باشد به ثبات در خلیج‌فارس، جریان آزاد و بی‌وقفه نفت متعهد است(Sun, 2026: 2) .

بازتعریف نگرش «حلال مشکل» نسبت به چین

اکنون سیاست حداکثری به سمت همکاری با چین به‌صورت افراطی تعریف‌شده و به‌نوعی تصمیم گیر سیاست خارجی در تلاش است تا تمام مشکلات خارجی از زنگزو تا چابهار، از خلیج‌فارس تا اروپا و اقیانوس هند را به گره زدن به منافع چین حل‌وفصل کند. منطبق سیاست خارجی چین عمل‌گرایی اقتصادی مبتنی بر هزینه و فایده است و بسیاری از مسائل سیاست خارجی علی‌رغم تهدیدهای مشترک که متوجه ایران و چین کرده، اما حضور مستقیم چین در آنها آورده چندانی برای آن کشور ندارد. لازم است در سیاست‌های افراطی و گره زدن همه پروژه‌های همکاری ایران به چین–بدون در نظر گرفتن امکان‌سنجی و فواید آن– پرهیز نمود. بخشی از انتظارت غیرواقع‌بینانه سیاستمدار و تصمیم گیر ایرانی نسبت به آینده همکاری با چین از همین کژفهمی‌ها نشات‌گرفته است که باید بازبینی صورت گیرد.

مواجهه دیپلماسی اقتصادی با چین براساس منطق سیاست محتاطانه آن کشور

چین خواهان بهره‌مندی از مزایای تغییر توازن قدرت جهانی است، بی‌آنکه بخواهد بهای کاملِ تضمین و پشتیبانی از این تغییرات را بپردازد. برای نمونه، در جریان سقوط اخیر دولت‌های دوستِ پکن در سوریه یا ونزوئلا، چین دلایلی برای ترجیح دادنِ بقای آن رژیم‌ها داشت و پیش‌تر نیز از آن‌ها حمایت کرده بود؛ اما هنگامی‌که آن دولت‌ها با تهدید واقعی و فوریِ نظامی یا تغییر رژیم مواجه شدند، پکن حاضر نبود تعهد مستقیمی را بپذیرد که او را به ضامن امنیتیِ واقعی تبدیل کند. پکن در حال افزایش نفوذ خود است، اما نمی‌خواهد مسئولیت ایجاد یک سیستم اتحاد به معنای قدیمی جنگ سرد را بر عهده بگیرد. اولویت آن، گسترش فضا برای خود و شرکایش و درعین‌حال اجتناب از تعهداتی است که می‌تواند به منافع اقتصادی یا راهبرد بلندمدت آن آسیب برساند. این امر به پکن انعطاف‌پذیری می‌دهد و به او اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به سرمایه‌گذاری در مداخلات پرهزینه، از ثمرات شکست‌های آمریکا بهره‌مند شود (Miquel, 2026:1-2). بر این اساس، چین نسبت به تحولات جهانی ازجمله جنگ

اوکراین، تحولات سوریه، بحران دریای سرخ، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و محدودیت تنگه هرمز رویکرد محتاط را در پیش‌گرفته است. ایران باید در امر سیاست‌گذاری با چین به رویکرد محتاط پکن در جهان توجه داشته باشد.

٦. ١. ٣. توجه به چالش‌های دیپلماسی حداکثری با چین در وضعیت عدم قطعیت

«**وابستگی نامتقارن**[1]»؛ تمرکز دیپلماسی اقتصادی ایران بر چین هرچند در کوتاه‌مدت به دور زدن تحریم و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی کمک می‌کند، اما از منظر امنیت اقتصادی نوعی «وابستگی نامتقارن» ایجاد کرده است. به‌عنوان‌مثال، بیش از یک‌سوم تجارت ایران با چین است، درحالی‌که کم‌تر از ۱٪ تجارت چین با ایران است. در این وضعیت ایران برای بازار صادراتی خود ازجمله انرژی، محصولات پایه نفتی، پتروشیمی و غیره بیشتر به‌طرف مقابل وابسته است، درصورتی‌که چینی‌ها به دلیل تنوع سازی تجاری و بازارهای بالقوه جایگزین در کالاهای صادراتی و وارداتی کم‌تر به ایران وابسته‌اند.

در این حالت، پکن نسبت به تهران قدرت چانه‌زنی بیشتری پیدا می‌کند و کم‌تر حاضر می‌شود خود را برای چالش‌های ایران به خطر اندازد؛ بنابراین وابستگی بیشتر ایران، موجب می‌گردد قدرت چانه‌زنی کم‌تری مقابل چین داشته باشد، این در حالی است که وابستگی متقابل کم‌تر چین موجب قدرت چانه‌زنی بیشتر در برابر ایران شده است. به بیان واضح‌تر، اختلال در صادرات کالاهای ایران به چین برای آن کشور قابل جبران است، اما اختلال در صادرات چین به ایران به دلیل مشکلات ناشی از تحریم (شبکه مالی رسمی، شرکای پایدار تجاری، زیرساخت‌های لجستیکی و غیره) به‌سختی جایگزین می‌شود.

«**سیاست دنباله‌روی**[2]»؛ نتیجه حل نمودن تمام مسائل سیاست از طریق چین می‌تواند منجر به «دنباله‌روی» در سیاست خارجی ایران گردد. دستگاه سیاست خارجی ایران در ۵ سال اخیر تلاش نموده خود را با نهادهای چینی و ابتکارات چینی تطبیق دهد و به عضویت آن‌ها درآید؛ این در حالی است که برخی از نهادهای چینی علی‌رغم عضویت ایران نتیجه ملموسی برای کشور در پی نداشته‌اند. به‌عنوان نمونه

1 - Asymmetric Dependence

2 - Bandwagoning

علی‌رغم حضور ایران در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و درخواست مکرر از آن برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی، تاکنون پروژه‌ای را در ایران تأمین مالی نکرده است.

برای پکن، این ادراک وجود دارد که حتی اگر چین هیچ تعهد بیشتری به تهران ندهد، می‌تواند روی وابستگی ایران در شرایط فعلی حساب کند. تهران به‌سادگی هیچ شریک بالقوه دیگری با وزن مشابه برای روی آوردن ندارد(Song, 2026:3). در چنین وضعیتی، تغییر رویکرد و محاسبات طرف چینی می‌تواند بر اقتصاد داخلی اثر مستقیم داشته باشد، به اهرم فشار غیرمستقیم بر کشور تبدیل‌شده و گزینه‌های متنوع سیاست خارجی را محدود کند، قدرت چانه‌زنی کشور در مقابل پکن را تضعیف کند و به دلیل محدود بودن گزینه تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری، آسیب‌پذیری اقتصادی را افزایش دهد.

گریز از آسیب‌پذیری قرار گرفتن در رقابت ابرقدرت‌ها؛ همسویی نزدیک و یک‌سویه با یک ابرقدرت می‌تواند کشور را به حوزه رقابت ابرقدرت‌ها و جنگ‌های نیابتی بکشاند. به‌عنوان نمونه تاریخی میراث استعمار و درگیری‌های جنگ سرد برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا را به رقابت ابرقدرت‌ها و جنگ‌های نیابتی کشاند(Kuok, 2025) . ایران باید مراقب باشد به‌عنوان کارت بازی در رقابت ابرقدرت‌ها در نظر گرفته نشود.

٦. ٢. انتخاب رویکرد مصون‌سازی/پوشش ریسک به عنوان مبنای دیپلماسی اقتصادی در مواجهه با چین

اصول و مفروض‌های راهبرد مصون‌سازی

در روابط بین‌الملل، مصون‌سازی به راهبردی اشاره دارد که در آن کشورها از همسویی کامل با یک‌طرف اجتناب می‌کنند و هم‌زمان از بی‌طرفی کامل خودداری می‌کنند. در عوض، آنها روابط خود را با بازیگران متعدد حفظ می‌کنند تا انعطاف‌پذیری راهبردی را حفظ کرده و خطرات ژئوپلیتیکی بلندمدت را به حداقل برسانند (Ernada, 2026: 2).کشورهای که این راهبرد را در سیاست خارجی انتخاب می‌کنند، معمولاً تلاش می‌کنند؛ روابط خود را با چندین بازیگر عمده بین‌المللی توسعه دهند تا از وابستگی بیش‌ازحد به یک کشور یا بلوک جلوگیری کنند.

طبق این رویکرد در شرایط شکاف قدرت‌های بزرگ، کشورهای قدرت متوسط و کوچک تلاش می‌کنند از وابستگی یک‌جانبه فاصله گیرند و شبکه‌ای متوازن از روابط خارجی ایجاد کنند تا استقلال تصمیم‌گیری خود را حفظ نمایند. کاربست آن در شرایط ناپایدار و با در نظر گرفتن عدم قطعیت جهانی و برای کشورهای که نمی‌توانند به‌طور یک‌جانبه و یا به‌طور قطعی به یکی از قدرت‌های بزرگ وابسته شوند، مناسب است(Kuik-Nur Shahadah, 2024: 8-11). در بعد اقتصادی کاهش وابستگی به کشور خاص و ایجاد روابط اقتصادی متنوع با کشورهای مختلف را در عمل پیش می‌برد. راهبرد مذکور میان همکاری با قدرت‌های بزرگ و حفظ استقلال تصمیم‌گیری توازن ایجاد می‌کند و «استقلال راهبردی» را در زمان بحران تقویت می‌کند.

راهبرد مصون‌سازی در شرایط عدم قطعیت با هدف امکان انتخاب‌های متعدد، رویکرد چندجانبه گرا، کاهنده ریسک، کاهش آسیب‌پذیری‌های احتمالی، افزایش انعطاف در سیاست خارجی و جلوگیری از دنباله‌روی و وابستگی به یکی از قدرت‌های بزرگ است. مصون‌سازی ترکیبی از احتیاط، تعامل، تنوع‌بخشی و حفظ گزینه‌های جایگزین است. اصول مصون‌سازی عبارت انداز: ایجاد گزینه‌های جایگزین و متنوع سیاسی، اقتصادی و امنیتی، ابهام راهبردی با پرهیز از وابستگی کامل به یک کشور، مدیریت هم‌زمان مخاطرات و منافع.

بهره‌گیری ایران از تجربه راهبرد مصون‌سازی دولت‌های متوسط در مواجهه با چین

اکنون مهم‌ترین متغیر ساختاری تعیین‌کننده بر سیاست خارجی دولت‌ها، رقابت میان چین و ایالات‌متحده آمریکا است. قدرت‌های متوسط و منطقه‌ای همچون کره جنوبی، ترکیه، مکزیک، ویتنام، برزیل، عربستان سعودی از الگویی مصون‌سازی در مواجهه با شکاف قدرت‌های بزرگ (چین و آمریکا) بهره گرفته‌اند. به‌طور خاص کشورهای هند و ژاپن باهدف توازن بین رقابت قدرت‌ها و تأمین منافع امنیتی و اقتصادی میان ایالات‌متحده آمریکا و چین از راهبرد مذکور استفاده کرده است. هند هم‌زمان عضو سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس به رهبری چین و ائتلاف کواد (گفتگوی امنیتی چهارجانبه بین

آمریکا–هند–استرالیا–ژاپن)[1] (Shoukat, 2025: 35) و گروه I2U2[2] (آمریکا–اسرائیل–هند–امارات متحده عربی) به رهبری آمریکا است (Junugura, 2025: 403). کره جنوبی هم‌زمان شریک اول امنیتی–نظامی آمریکا و شریک اول تجاری چین است، عربستان سعودی هم‌زمان شریک اول امنیتی –نظامی آمریکا و شریک اول تجارت و سرمایه‌گذاری چین است و اکنون روابط خارجی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده که ضمن بهره‌مندی از مزایای رقابت و شکاف دو قدرت بزرگ، امکان مدیریت ریسک‌های سیاسی و اقتصادی را برای خود فراهم کند.

در جنوب شرق آسیا اغلب کشورها شریک امنیتی ایالات‌متحده و شریک اول تجاری آن‌ها چین است. آمریکا و چین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در این کشورها هستند. تایلند متحد رسمی آمریکا در پیمان امنیتی است و رزمایش بزرگ «کبرا گلد[3]» میان آنها منظم برگزار می‌گردد، درعین‌حال چین شریک اول تجاری تایلند است و همکاری دفاعی میان دو کشور رو به گسترش است. در بعد امنیتی –نظامی کشورهای جنوب شرق آسیا مانند سنگاپور و مالزی، با مشارکت در توافق‌های امنیتی و نظامی با ایالات‌متحده و چین، به دنبال این هستند که از تعادل قدرت در این منطقه محافظت کنند. کشورهای آمریکای لاتین تلاش می‌کنند بجای قرار گرفتن در اردوگاه یکی از دو قدرت، روابط خود را با هر دو حفظ کنند. چین یکی از مهم‌ترین شرکای برزیل، شیلی، کلمبیا و پرو است. برای کشورهای آمریکای لاتین، رقابت پکن و واشنگتن الزاماً یک انتخاب دوگانه نیست؛ بلکه می‌تواند فرصتی برای متنوع کردن شرکای اقتصادی و افزایش قدرت چانه‌زنی آنها باشد (Caixin Global, 2026). کشورهای قدرت میانه ترجیح می‌دهند، میان دو ابرقدرت انتخاب نکنند؛ بلکه با سیاست «موازنه گری» از مزایای تعامل هر دو ابرقدرت بهره‌مند شوند، بدون اینکه تعهد سیاسی و امنیتی سنگین به هر یک از دو ابرقدرت داشته باشند (Kuok, 2025). الگوی مدیریت تعاملات خارجی این کشورها در به کارگیری «راهبرد مصون‌سازی» حاوی درس‌آموخته‌های برای ایران در مواجهه با شکاف قدرت‌های بزرگ و بی‌ثباتی

1. Quadrilateral Security Dialogue (QUAD)

2. I2U2 Group

3. Cobra Gold

تحولات جهانی است.

ملزومات سیاسی و اقتصادی راهبرد مصون‌سازی برای ایران در مواجهه با چین در شرایط فعلی

چین در شرایط کنونی در مقایسه با سایر گزینه‌های اقتصادی دیپلماسی اقتصادی ایران جایگاه مطلوب‌تری ازلحاظ راهبردی و ژئواکونومیک دارد. بااین‌حال، این احتمال وجود دارد که «دیپلماسی حداکثری» با چالش‌های همچون؛ «وابستگی متقابل نامتقارن»، «دنباله‌روی در سیاست خارجی» و «گریز از آسیب‌پذیری قرار گرفتن در رقابت ابرقدرت‌ها» روبه‌رو شود. همچنین نگرش محتاطانه چین به روابط حداکثری با ایران و محدودیت‌های چارچوب راهبردی سیاست خارجی آن کشور نسبت به حمایت حداکثری اقتصادی و نظامی از ایران می‌تواند آسیب‌های را در وضعیت عدم قطعیت فعلی –توافق یا عدم توافق با آمریکا– برای ایران به وجود آورد. برای گریز از آسیب‌های احتمالی مذکور «راهبرد مصون‌سازی» مناسب است.

لازم است راهبردی تدوین گردد که روابط دو کشور از پیوندهای محدود اقتصادی فراتر رود و گام‌های جدی‌تری در روابط طرفین برداشته شود. همچنین به دلیل تنگناهای ساختاری موجود در سیاست خارجی، وضعیت عدم قطعیت توافق یا عدم توافق با آمریکا، عدم پیش‌بینی پذیری رفتار قدرت‌های بزرگ به‌ویژه چین در مواجهه با تحولات آینده داخلی و خارجی ایران مناسب‌ترین گزینه برای قدرت چانه‌زنی در سیاست خارجی و گزینه‌های جایگزین در شرایط بحران است.

کاربست راهبرد مصون‌سازی برای دیپلماسی اقتصادی ایران در مواجهه با چین

در صورت توافق یا عدم توافق ایران با آمریکا مناسب است راهبرد مصون‌سازی انتخاب گردد تا آسیب‌های احتمالی آینده را کاهش دهد. ایران به دلیل اختلافات ساختاری و شرایط جنگی با ایالات‌متحده آمریکا قادر به پیاده‌سازی الگوی قدرت‌های متوسط در مواجهه با چین و تعادل میان دو ابرقدرت نخواهد بود. در این راستا، گونه‌ای از راهبرد مصون‌سازی تحت عنوان «مصون‌سازی نامتقارن و محدود» بهتر می‌تواند در مواجهه با چین کاربرد داشته باشد.

در گونه مصون‌سازی نامتقارن و محدود، ایران ضمن پیشبرد رویکرد عمل‌گرایی اقتصادی با چین،

گزینه‌های دیپلماتیک و مسیرهای متنوع همکاری اقتصادی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌کند. در این راهبرد دیپلماسی اقتصادی کشور از الگوی متمرکز به الگوی چندمسیره، متنوع و تاب‌آوری روی می‌آورد و هر یک از کشورهای همسایه کارکرد مشخصی را بر عهده می‌گیرند.

در کنار تمرکز بر هم‌راستا نمودن چشم‌انداز توسعه‌ای با کشور چین، گزینه‌های راهبردی متنوع برای گشایش دیپلماسی اقتصادی در هنگام بحران پیگیری می‌شود. از دیگر دلایل اهمیت استفاده از این راهبرد این است که با رویکردهای اصلی سیاست خارجی ایران یعنی «رویکرد نگاه به شرق» و «همسایگی» منافاتی ندارد. هم‌راستا با این کلان‌راهبردها، «سیاست وابستگی متقابل» با دیگر قدرت‌های نوظهور، کشورهای درحال‌توسعه و جنوب جهانی-کشورهای آفریقایی، جنوب شرق آسیا، آسیای جنوبی و آمریکای لاتین- ایجاد می‌کند.

اکنون در چارچوب راهبرد مصون‌سازی باید چهار گروه دولت را برای برقراری دیپلماسی اقتصادی شناسایی کرد و مسیرهای دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی را برای همکاری با آن‌ها باز کرد:

- دسته اول؛ قدرت‌های بزرگ و مهم چین، روسیه و هند،
- دسته دوم؛ کشورهای همسو، همسایه و برخوردار از ظرفیت همکاری اقتصادی شامل پاکستان، افغانستان، عمان و عراق
- دسته سوم؛ کشورهای دارای ظرفیت همکاری اقتصادی با چالش‌های بیشتر نسبت به گروه دوم شامل؛ ترکیه، قطر، امارات
- دسته چهارم؛ قدرت‌های نوظهور شامل؛ برزیل، آفریقای جنوبی، ویتنام، مالزی، اندونزی

هدف راهبرد مصون‌سازی موازنه و برابر شدن دولت‌ها در سیاست خارجی نیست؛ بلکه ایجاد گزینه‌های متنوع در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی است؛ بنابراین وزن دولت‌های شریک در دیپلماسی اقتصادی متفاوت است. سیاست همکاری حداکثری با چین ادامه پیدا می‌کند و وزن یک کشور در سیاست اقتصاد خارجی ایران می‌تواند با مجموع کشورهای مطروحه در این راهبرد برابری کند. درعین‌حال، گزینه‌های همکاری با دیگر دولت‌ها متناسب با مزیت‌های موجود پیگیری می‌گردد.

می‌توان در شرایط فعلی در کنار سیاست عمل‌گرایی اقتصادی با چین به ترکیه هاب اتصال به اروپا، پاکستان هاب اتصال به آسیای جنوبی و اقیانوس هند و چین، افغانستان مسیر ترانزیتی به آسیای مرکزی، عراق کریدور زمینی به مدیترانه، روسیه و کشورهای قفقاز ابعاد کلیدی کریدور شمالی توجه ویژه نشان داد.

به‌صورت کلی در پیاده‌سازی راهبرد مصون‌سازی اصول زیر برای دیپلماسی اقتصادی استخراج می‌گردد:

- ✓ در شرایط بی‌اعتمادی، عدم قطعیت در نظم منطقه‌ای و معادلات جهانی، انتخاب راهبرد مصون‌سازی در روابط با چین در شرایط توافق یا عدم توافق منجر به انعطاف دیپلماسی اقتصادی کشور می‌شود و قدرت چانه‌زنی کشور را در مسائل سیاسی و اقتصادی افزایش می‌یابد و این امکان را برای ایران فراهم می‌کند تا میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تعامل متوازنی برقرار نماید.
- ✓ «مصون‌سازی ژئواکونومیک» به‌عنوان اصل سیاست اقتصادی_تجاری به متنوع سازی شرکای تجاری و اجتناب از وابستگی به یک کشور–چین– کارساز خواهد بود.
- ✓ از قرار گرفتن در وضعیت انتخاب قطعی میان قدرت‌های بزرگ پرهیز می‌کند و در تعامل با کشورهای رقیب به دنبال کسب منافع ملی است.
- ✓ فضای رقابتی در سیاست اقتصاد خارجی ایجاد می‌گردد. در چنین شرایطی طرف چینی این ادراک را دریافت می‌کند که تنها گزینه ایران برای انتخاب اقتصادی نیست. ایران باید بر مبنای منطق «عمل‌گرایی» در سیاست خارجی فضای رقابتی برای دیپلماسی اقتصادی ایجاد نماید.

دیپلماسی اقتصادی در چارچوب راهبرد مصون‌سازی در مواجهه با چین در شرایط توافق یا عدم توافق با آمریکا چگونه می‌تواند منافع ملی ایران را تأمین کند؟ اگر دو حالت توافق میان ایران و آمریکا یا عدم توافق دو کشور را به‌عنوان پیش‌فرض در نظر بگیرم. انتخاب رویکرد مصون‌سازی در مواجهه با چین می‌تواند در صورت اتفاق افتادن هرکدام از حالت‌های مذکور منافع ملی ایران را تأمین نماید.

- **حالت اول؛** بر مبنای منطق مصون‌سازی، تنش با غرب باید مدیریت شود؛ چراکه هراندازه

سطح تنش با آمریکا افزایش پیدا کند، گزینه‌های ایران در سیاست اقتصادی محدودتر شده و وابستگی به چین افزایش می‌یابد (ضیائی، ۱۴۰۵). درصورتی‌که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد یا هر تفاهم‌نامه دیگری–جامع‌تر یا ناقص‌تر– میان ایران و آمریکا امضا و اجرا گردد، با عنایت به اینکه بر مبنای سیاست مصون‌سازی «همکاری حداکثری» با چین به‌عنوان یکی از ارکان همکاری اقتصادی در نظر گرفته‌شده است، تعمیق روابط به قوت خود باقی می‌ماند. روابط تنش‌زا با غرب تعدیل می‌یابد، گزینه‌های دیپلماسی اقتصادی افزایش می‌یابد، قدرت چانه‌زنی کشور در مواجهه با چین و سایر کشورهای همکار در نظام جهانی بیشتر می‌شود، بدون اینکه به روابط مثبت و در حال پیشرفت ایران و چین لطمه‌ای وارد گردد. علی‌رغم برقراری «موازنه» در سیاست خارجی، چین شریک اول تجارت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و غیره باقی می‌ماند و زمینه برای گسترش «روابط بلندمدت و تضمین‌شده» فراهم می‌گردد. به‌صورت کلی، در صورت توافق احتمالی میان ایران و آمریکا، کاربست راهبرد مصون‌سازی خللی در توسعه روابط ایران و چین ایجاد نمی‌کند؛ بلکه گزینه‌های دیپلماسی اقتصادی ایران را افزایش می‌دهد.

- **حالت دوم؛** توافق میان ایران و امریکا انجام نمی‌گیرد، سیاست محدود کردن، جدا کردن و طرد اقتصادی ایران از زنجیره اقتصاد جهانی توسط آمریکا ادامه پیدا می‌کند، گزینه‌های روابط اقتصادی خارجی محدود می‌گردد. در این وضعیت اهمیت چین به‌عنوان اصلی‌ترین گزینه روابط اقتصادی خارجی بیش‌ازپیش است، ایران به‌ناچار به‌سوی سیاست وابستگی و دنباله‌روی از چین حرکت خواهد کرد، قدرت چانه‌زنی چین نسبت به ایران در معاملات میان طرفین بیشتر می‌شود، تقاضای توسعه روابط اقتصادی از سوی ایران بالا می‌رود و نشانه‌های از ضعف، آسیب‌پذیری و عدم تنوع دیپلماسی اقتصادی به‌طرف مقابل مخابره می‌گردد. اکنون برای عبور از چنین آسیب‌های احتمالی کاربست رویکرد «مصون‌سازی محدود و نامتقارن» با دیگر دولت‌های «همسو، همسایه و نوظهور» در کنار چین می‌تواند گزینه‌های جدیدی برای عبور از بحران‌های احتمالی در اختیار سیاست خارجی ایران قرار دهد، قدرت چانه‌زنی کشور را در مقابل چین افزایش دهد، مسیرهای متنوع اقتصادی و تجاری در سیاست خارجی ایجاد

کند و آسیب‌های وابستگی نامتقارن و دنباله‌روی را کاهش دهد.

پیاده‌سازی راهبرد مصون‌سازی در عمل

بر مبنای راهبرد مصون‌سازی ایران در سه بعد امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک دستور کارهای سیاست خارجی را تنظیم نماید:

حوزه دیپلماتیک؛ در کنار توسعه روابط سیاسی و دیپلماتیک با چین، باب مذاکره با آمریکا، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، اروپا، کشورهای نوظهور و همسایه‌ها را باز کند. هم‌زمان با پیگیری توافق‌نامه اسلام‌آباد، ظرفیت بریکس و چین برای مدیریت بحران استفاده گردد؛ این به معنای تغییر میانجی، انتخاب یک مسیر و کنار گذاشتن مسیرهای دیگر نیست؛ بلکه داشتن چند کانال هم‌زمان در بحران‌های پر ریسک است.

حوزه امنیتی؛ برای تعریف معادله نظم امنیتی منطقه غرب آسیا گفتگوی سه‌جانبه میان ایران–چین–کشورهای خلیج‌فارس را آغاز کند، برای تعریف معادله نظم امنیتی منطقه‌ای آسیای جنوبی، گفتگو و همکاری سه‌جانبه میان ایران–چین–پاکستان را پیش ببرد، در سازوکارهای امنیتی سازمان همکاری شانگهای– مبارزه با افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی‌طلبی– حضور مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشد. در مقابل ایران نباید از چین به‌عنوان اهرم مذاکراتی و سیاسی در برابر آمریکا استفاده کند؛ بلکه از نقش چین، بریکس و شانگهای در مدیریت بحران‌های بین‌المللی بهره‌مند شود.

حوزه دیپلماسی اقتصادی؛ در کنار حفظ و توسعه چهارستون همکاری با چین شامل؛ تجارت، انرژی، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، روابط چندمسیره اقتصادی–تجاری را با محور تأمین کالاهای اساسی، سرمایه‌گذاری مشترک، پروژه‌های همکاری میان‌مدت و بلندمدت، کریدورهای اقتصادی و غیره با کشورهای هدف پیش ببرد. علاوه بر مشارکت در بلوک‌های اقتصادی موازی نظم جهانی با محور چین، توافقات تجاری جدید، مشارکت در بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی و مشارکت در زنجیره تأمین منطقه‌ای در دستور کار قرار گیرد. پیاده‌سازی سیاست مصون‌سازی در ابعاد فوق‌الاشاره ضمن زمینه‌سازی لازم برای تقویت همکاری با چین، مسیرهای همکاری جدیدی با کشورهای قدرت متوسط

منطقه‌ای و همسایه را فراهم می‌کند، کشور را در مقابل بحران و خطرات امنیتی و اقتصادی ایمن نگه می‌دارد. به‌عنوان‌مثال، به کشور این امکان را می‌دهد تا در مقابل فشارهای اقتصادی بالقوه و تغییرات ناگهانی سیاست کشورهای رقیب و حتی کشورهای دوست و همسویی همانند چین مسیرهای جدیدی برای همکاری اقتصادی داشته باشد. برای تضمین و تعمیق روابط اقتصادی چندمسیره، اعطای امتیازات و قراردادهای بلندمدت سه تا ۱۰ ساله با کشورهای چین، روسیه، پاکستان، ترکیه، قزاقستان، عراق، افغانستان و دیگر کشورهای دارای ظرفیت برای رفع نیازهای تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری صورت پذیرد.

ملاحظه اجرایی دیپلماسی اقتصادی مصون‌سازی در مواجهه با چین

- در اقتباس راهبرد مصون‌سازی در روابط اقتصادی خارجی ایران به نسبت سایر کشورها ملاحظاتی وجود دارد. وضعیت تنش‌های ژئوپلیتیکی کنونی، تحریم‌های اقتصادی و سیاست جدید «عملیات طرد اقتصادی»، عدم اتصال ایران به زنجیره تأمین جهانی و ناهم‌سویی سیاست خارجی ایران با برخی از کشورهای نظام بین‌الملل بر پیاده‌سازی چنین الگویی را در سیاست خارجی ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت.
- همانند دیگر قدرت‌های متوسط، در کوتاه‌مدت ایران نمی‌تواند سیاست مصون‌سازی را میان چین و آمریکا به کار گیرد. درواقع ایران برای کاربست راهبرد کلان مصون‌سازی در مواجهه با چین نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو است.
- کشورهای ثالث به دلیل تحریم‌های ثانویه، محدودیت‌ها، پیچیدگی‌ها و ابهامات سازوکارهای مالی و مسیرهای تجاری ایران و اجتناب کشورهای دیگر از چالش‌های ناشی از همکاری با ایران، تمایل کم‌تری به همکاری اقتصادی با ایران نشان داده‌اند. به‌عنوان‌مثال مسیرهای جایگزین همچون پاکستان، ترکیه، قزاقستان، عراق، افغانستان و غیره دارای ابعاد متعدد مشکلات همکاری در بخش تجاری، لجستیک، سازوکار مالی رسمی و غیره هستند.

توصیه سیاستی

دیپلماسی اقتصادی در سطوح قبلی اقتصادی شامل؛ خرید نفت، سرمایه‌گذاری، سازوکار مالی، فاینانس، کریدورهای اقتصادی حفظ و تقویت گردد.

دوگانه غیرواقعی در روابط اقتصادی خارجی در رابطه با چین کنار گذاشته شود و دیپلماسی اقتصادی در خصوص چین بر مبنای واقعیت‌های موجود تنظیم گردد.

لازم است جایگاه چین از «شریک راهبردی» به «متحد راهبردی» تبدیل گردد. برای تداوم «روابط بلندمدت و تضمین‌شده»، باید سیاست پکن نسبت به ایران از حالت «محتاط»، «صبر راهبردی»، «میانجی گر فعال بدون تعهد» و «نظاره‌گر» به سیاست «حمایت‌گرایی قاطع» و «همکاری گسترده و قوی» تبدیل گردد.

دو رویکرد «عمل‌گرایی اقتصادی» و «مصون‌سازی» برای مواجهه با چین در دوره توافق یا عدم توافق احتمالی با آمریکا مد نظر حوزه دیپلماسی اقتصادی باشد.

در چارچوب سیاست «عمل‌گرایی اقتصادی»، «همکاری حداکثری» با چین در دستور کار روابط اقتصادی خارجی قرار گیرد، برای رسیدن به این هدف لازم است:

- ✓ سیاستگذاری لازم برای تحقق موارد زیر انجام گیرد: بازتعریف رابطه دوجانبه به رویکرد همکاری حداکثری، تداوم سیاست حداکثری با چین در حوزه‌های مشخص و دارای مزیت اقتصادی، تعریف جایگاه ایران در طرح‌ها و ابتکارات چین، توسعه همکاری با چین در پروژه‌های راهبردی و بلندمدت، جانمایی دقیق ایران در زنجیره تأمین چین محور و بهره‌مندی عملیاتی از نهادهای چینی غیرعربی.
- ✓ ملاحظات بنیادی زیر برای تقویت روابط طرفین رعایت گردد: تنظیم دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر واقعیت‌های نگرش جهانی چین، بازتعریف نگرش «حلال مشکل» نسبت به چین، مواجهه با چین براساس منطق سیاست محتاطانه آن کشور.
- ✓ به چالش‌های دیپلماسی اقتصادی حداکثری با چین در وضعیت عدم قطعیت شامل؛ «وابستگی نامتقارن»، «سیاست دنباله‌روی» و «قرار گرفتن در رقابت ابرقدرت‌ها» توجه گردد.

همچنین در راستای دیپلماسی اقتصادی عمگرا با چین، اقدامات زیر انجام گیرد:

وابستگی متقابل راهبردی در حوزه زیرساخت‌های حیاتی؛ برای تبدیل «مشارکت راهبری» به «اتحاد راهبردی» بخش‌هایی که به‌عنوان زیرساخت‌های حیاتی وابستگی متقابل شناخته می‌شوند به یکدیگر پیوند داده شود. زیرساخت‌های حیاتی عبارت‌اند از: بانکداری و امور مالی، انرژی، زنجیره‌های تأمین، بهداشت و درمان، دارایی‌های مرتبط با امنیت ملی و دفاع، خدمات دریایی و کریدورهای اقتصادی. برای آینده روابط ایران و چین، اتصال زیرساخت‌های حیاتی به یکدیگر برای دریافت همکاری «تضمین بلندمدت و بادوام» لازم است. به‌عنوان‌مثال، سیستم بانکداری رسمی، شفاف و قابل‌دسترس میان دو کشور ایجاد گردد، مسئله انرژی از خرید صرف نفت فراتر رود و شرکت‌های بزرگ چینی نفتی و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی ایران مشارکت داشته باشند و در مدیریت بنادر و سرمایه‌گذاری در آن‌ها اتصال بلندمدت برقرار گردد. به‌صورت کلی پروژه‌های توسعه‌ای کلان در حوزه امنیت انرژی، معادن، کریدورهای اقتصادی با رعایت اولویت‌بندی داخلی تعریف گردد. دیپلمات‌ها و دستگاه سیاست خارجی بر اولویت پروژه‌های منطقه‌ای و راهبردی مذکور در مذاکره با چین تمرکز کنند.

تعریف پروژه‌های عملیاتی بر مبنای واقعیت جدید روابط خارجی چین؛ برخی از جهت‌گیری سیاست اقتصاد خارجی چین در حال تغییر است. به‌عنوان‌مثال با رشد انرژی‌های نو، خودروهای برقی، فناوری‌های پاک، تمرکز سرمایه‌گذاری چین در این حوزه‌ها افزایش‌یافته است. همچنین حوزه معادن به دلیل نقش مهم در حوزه‌های فوق بسیار برای آینده سرمایه‌گذاری جهانی اهمیت دارد. براساس برنامه پنج‌ساله پانزدهم چین رویکرد این کشور از سرمایه‌گذاری و رشد زیرساخت‌های سنگین، املاک، صادرات کالاهای مصرفی و سیاست کارخانه جهانی به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های پیشرفته، هوش مصنوعی و موارد مطروحه فوق حرکت کرده است. همچنین در حوزه انرژی در بازار چین رقبایی همانند روسیه، عربستان، قطر و حتی برخی از کشورهای آفریقایی به‌عنوان رقیب اصلی مطرح هستند که قدرت چانه‌زنی ایران را با طرف چینی پایین می‌آورد؛ از این منظر صرف صادرات نفت به چین نمی‌تواند ستون یک شراکت راهبردی و روابط پایدار در آینده باشد؛ بلکه ضروری است گام‌های جدی‌تری برای حضور چین در زنجیره تولید و صادرات نفت برداشته شود. ایران باید خود را

با سیاست‌های جدید چین سازگار کند و همکاری عملیاتی را در حوزه مذکور جستجو نماید. ایران باید از وضعیت کنونی همکاری «فروشنده مواد خام و کالاهای مصرفی» عبور کند و به یک شریک فعال در حوزه‌های فناوری‌های پیشرفته، زیرساخت‌های حیاتی، دیجیتال، انرژی‌های تجدید پذیر، روش‌های کشاورزی نوین و غیره تبدیل گردد.

جانمایی و واگذاری نقش به چین با حضور در ابتکارات چینی؛ همکاری ایران در پنج ابتکار نظم‌ساز چین شامل؛ «ابتکار امنیت جهانی»، «ابتکار توسعه جهانی»، «ابتکار تمدن جهانی»، «ابتکار حکمرانی جهانی»، تلاش برای نقش پررنگ به چین در نظم منطقه‌ای (صلحبان راهبردی).

واگذاری نقش به چین در حوزه امنیت انرژی؛ حدود ۵۶٪ از واردات انرژی چین از تنگه هرمز است، امنیت انرژی چین در بلندمدت از تنگه هرمز توسط ایران تضمین گردد و در قبال آن درخواست‌های زیر از چین در دستور کار قرار گیرد: سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های حوزه بالادستی انرژی ایران، معرفی پروژه‌های همکاری انرژی (استخراج، پالایشگاهی، LNG و غیره)، حضور چین در زنجیره تأمین شرکت‌های انرژی ایران، مشارکت شرکت‌های چینی در پروژه‌های تأسیسات بندری، مشارکت چین برای حضور در زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی کشور، تعریف کلان پروژه‌های خطوط انرژی همانند تعریف خط انرژی انتقال نفت و گاز میان سه کشور ایران، پاکستان و چین.

مطالبه حمایت سیاسی و اقتصادی حداکثری چین از ایران؛ ادامه یافتن وتوی قطعنامه‌های ضد ایرانی، بیانیه‌های سیاسی برای محکومیت از اقدامات ضد ایرانی غرب، تلاش برای بیانیه محکومیت از سوی گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای، عدم‌حمایت از موضع ضد ایرانی کشورهای غرب آسیا علیه ایران در مسائل فی‌مابین ازجمله عدم‌حمایت از موضع کشورهای خلیج‌فارس- به‌ویژه موضع امارات- نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی، عدم‌حمایت مستقیم از سیاست‌ها و موضع عربستان و امارات نسبت به انصار الله یمن و غیره.

در چارچوب راهبرد مصون‌سازی پیشنهاد می‌گردد:

تراز کردن روابط دوجانبه اقتصادی با چین؛ تنوع شرکا و همکاران راهبردی در محیط بین‌المللی

افزایش پیدا کند. روابط در حوزه اقتصادی به چند قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه چین و روسیه محدود نشود؛ به همین دلیل بهبود روابط با اتحادیه اروپا و کنترل تنش با واشنگتن برای عمق بخشیدن به روابط با چین و روسیه یکی از الزامات اساسی است. برای برقراری موازنه با چینی‌ها صرفاً همکاری به غرب مطرح نیست؛ بلکه از طریق روس‌ها، هندی‌ها و سایر قدرت‌های نوظهور نیز می‌توان با چینی‌ها موازنه ایجاد کرد. درواقع برای مهار چین در ایران باید همکاری با قدرت‌های رقیب را نیز گسترش داد.

اکنون در چارچوب راهبرد مصون‌سازی باید دیپلماسی اقتصادی شبکه‌ای از دولت‌ها را در «جنوب جهانی» برای همکاری انتخاب کند: می‌توان چهار گروه دولت را در سیاست خارجی شناسایی کرد و مسیرهای دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی را برای همکاری با آن‌ها باز کرد:

- √ گروه اول؛ قدرت‌های بزرگ مهم چین، روسیه و هند،
- √ گروه دوم؛ کشورهای همسو، همسایه و برخوردار از ظرفیت همکاری اقتصادی شامل پاکستان، افغانستان، عمان و عراق
- √ گروه سوم؛ کشورهای دارای ظرفیت همکاری اقتصادی با چالش‌های بیشتر نسبت به گروه دوم شامل؛ ترکیه، قطر، امارات
- √ گروه چهارم؛ قدرت‌های نوظهور شامل؛ برزیل، آفریقای جنوبی، ویتنام، مالزی، اندونزی

تعریف معادله سه‌جانبه با چین در حوزه وابستگی متقابل اقتصادی در دستور کار قرار گیرد:

- **تعریف معادله سه‌جانبه میان تهران–کشورهای عربی خلیج‌فارس–چین**؛ با توجه به تحولات اخیر، جایابی چین در نظم جدید غرب آسیا مدنظر قرار گیرد. به چالش کشیدن «صلح آمریکایی[1]» توسط ایران، ظهور چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های خارجیِ پیشرو در خلیج‌فارس را تسریع می‌کند. اکنون شی جینپینگ رهبر چین دو طرح چهارماده‌ای برای ثبات و ایفای نقش در منطقه‌ی خاورمیانه ارائه داده است، وی همچنین در اجلاس گروه بریکس ۲۰۲۶ بر همکاری با اعضای این گروه برای صلح و آرامش در خاورمیانه تأکید داشت. این نشان

1 -Pax Americana

می‌دهد که این کشور به دنبال ایفای نقش در نظم امنیتی منطقه‌ی خاورمیانه است. در این راستا ضروری است بر روی تعریف معادله سه‌جانبه میان ایران–کشورهای حاشیه خلیج‌فارس–چین برنامه‌ریزی کرد.

- **تقویت روابط سه‌جانبه ایران–چین–روسیه؛** ایران، چین، روسیه آسیب‌پذیری مشترکی در مواجهه با نظم آمریکایی–عبری در حال شکل‌گیری در منطقه دارند. مقابله با هژمونی آمریکا، مدیریت نظم منطقه‌ای اوراسیا، مشارکت در نهادهای غیر غربی، توسعه نظم چندجانبه–گرایی، استفاده از ارزهای محلی در روابط سه‌جانبه حوزه‌های دارای ظرفیت در برای تعمیق روابط سه‌جانبه فوق در شرایط کنونی است.
- **پیشبرد سیاست وابستگی متقابل راهبردی سه‌جانبه میان چین–ایران–پاکستان؛** دو حوزه انرژی و ترانزیت در کنار اشتراکات سیاسی و امنیتی از ظرفیت‌های لازم برای وابسته‌سازی کشورهای چین و پاکستان به ایران برخوردارند. برای رسیدن به این هدف، «دیپلماسی انرژی»، «دیپلماسی ترانزیتی»، مشارکت در «تعیین الگوی نظم منطقه‌ای» و تمرکز بر «ترتیبات امنیتی نوین»، زمینه‌ساز وابستگی متقابل راهبردی و هم‌راستا نمودن چشم‌انداز توسعه سه کشور خواهد بود.
- **تقویت همکاری سه‌جانبه ایران–افغانستان–چین؛** با عنایت به ظرفیت‌های موجود کشور افغانستان از جمله فرصت‌های گسترش حمل و نقل ایران با آن کشور، اتصال سه‌جانبه ایران–افغانستان–چین در بخش کریدورهای اقتصادی و پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری سه‌جانبه در توسعه ریلی و معادن می‌توان بر روی ائتلاف سه‌جانبه میان ایران–افغانستان–چین برنامه‌ریزی کرد.

نتیجه‌گیری

پس از انقلاب اسلامی روابط ایران و چین بر مبنای « همکاری و تعامل سازنده» استوار بوده و هیچ دوره‌ای تاریخی به سمت تعارض و تقابل حرکت نکرده است. بااین‌حال سطح روابط در برخی از دوره‌ها «نوسانی، مقطعی و با فراز و نشیب» همراه بوده و سطح «بلندمدت و تضمین‌شده» بر روابط طرفین حاکم نشده است. پس از سال ۲۰۱۲ سطح روابط به‌صورت تدریجی به «مشارکت راهبردی» ارتقا یافت.

در ۱۰ سال اخیر، در حوزه اقتصادی و تجاری روابط طرفین حفظ‌شده است. چین شریک اول تجاری ایران، خریدار اصلی نفت ایران، اولین کشور سرمایه‌گذار خارجی در ایران است. همکاری اقتصادی در سطح نهادهای بین‌المللی همانند ائتلاف بریکس و سازمان شانگهای در حال گسترش است، در سطح نهادهای جهانی و منطقه‌ای سیاست‌های نسبتاً هماهنگی دارند و اقدامات عملی ضد تحریمی اقتصادی از سوی چین برای حمایت از ایران انجام‌گرفته است.

بر مبنای همکاری اقتصادی مذکور در چند سال اخیر، ایران در راستای رویکرد «نگاه به شرق» همکاری حداکثری را در مواجهه با چین انتخاب کرده است، این در حالی است که چین «رویکرد متوازن و مشارکت راهبردی» را نسبت به منطقه خاورمیانه و ایران برگزیده است. پکن در چارچوب این راهبرد توانسته است بین دولت‌های رقیب و دولت‌های کوچک و بزرگ در منطقه غرب آسیا تعادل و توازن ایجاد نماید. از منظر سیاست خارجی ایران، جایگاه اصلی روابط اقتصادی متعلق به چین است، اما در نگاه پکن جایگاه ایران در اولویت قرار ندارد.

در دوره پساجنگ، جایگاه ایران از منظر تاب‌آوری اقتصادی–اجتماعی، تقابل و دوام نظامی در مقابل آمریکا، ایفای نقش مؤثر در نظم منطقه‌ای خاورمیانه در تقابل نظم آمریکایی–عبری برای پکن مهم است. علی‌رغم اینکه تضعیف و فروپاشی ایران می‌تواند مبنای سیاست «موازنه» چین را در خاورمیانه به سود محور آمریکایی–عبری سست کند، اما پکن سیاست «حامی» و «حمایت کامل» را از ایران در پیش نگرفته است و سیاست «محتاط و صبر راهبردی» بر مبنای رویکرد متوازن گذشته خود را اتخاذ نموده است.

برای تداوم رابطه بلندمدت و تضمین‌شده، لازم است تدبیر و راهبردی به کار گرفته شود تا سیاست پکن نسبت به ایران از حالت «محتاط»، «صبر راهبردی»، «میانجی گر فعال بدون تعهد» و «نظاره‌گر» به سیاست «حمایت‌گرایی قاطع» و «همکاری گسترده و قوی» تبدیل گردد. در این راستا، مناسب است ایران در مواجهه با چین در دوره توافق یا عدم توافق احتمالی با آمریکا چهار ملاحظه زیر را در نظر بگیرد و بر مبنای آن روابط اقتصادی خارجی با چین را تنظیم نماید:

اول؛ اهمیت راهبردی ایران برای چین و نیازمندی چین به حفظ جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در شرایط فعلی با حفظ سطح مشارکت راهبردی نه اتحاد راهبردی. دوم؛ اتخاذ سیاست محتاط، صبر راهبردی، مصون‌سازی از سوی چین با تعیین حد و حدود همکاری مشخص با ایران. سوم؛ نقش چین در سیاست بازآرایی اقتصادی ایران در دوره پساجنگ در حوزه تجارت، خرید نفت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و ظرفیت تعریف سازوکارهای مالی. چهارم؛ چین به‌عنوان مطلوب‌ترین گزینه سیاست خارجی ایران در شرایط فعلی با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف. گزاره‌های فوق نشان می‌دهد که حفظ جایگاه ایران برای چین اهمیت راهبردی دارد و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف روابط ایران و چین و محدودیت‌های سیاست خارجی ایران در دوره پسا جنگ، همکاری با پکن مطلوب‌ترین گزینه سیاست خارجی ایران است. بااین‌حال محدودیت‌های متعددی به‌ویژه از طرف چین برای همکاری و حمایت کامل از ایران وجود دارد. با عنایت به پارادوکس موجود، در دوره پسا جنگ تعدیل دل‌بستگی‌های سطح راهبردی به چین و انتظارات احساسی و برون‌رفت از رویکردهای غیرواقع‌بینانه ضروری است.

براساس واقعیت‌های موجود در دوره پساجنگ و در شرایط احتمالی توافق و عدم توافق با آمریکا دو راهبُرد زیر برای دیپلماسی اقتصادی ایران قابل‌ارائه و برنامه‌ریزی است؛ رویکرد پراگماتیسم (عمل‌گرایی اقتصادی) در مواجهه با چین و رویکرد «هجینگ/مصون‌سازی/پوشش ریسک» در مواجهه با چین.

بر مبنای رویکرد «عمل‌گرایی اقتصادی» در مواجهه با چین سه اقدام شامل؛ رویکرد ایجابی با دستاورد عملی–عینی، رعایت ملاحظات بنیادی برای برقراری روابط با چین، توجه به چالش‌های دیپلماسی حداکثری با چین در وضعیت عدم قطعیت مدنظر قرار گیرد.

در قالب رویکرد ایجابی با دستاورد عملی–عینی اقدامات زیر انجام گیرد: بازتعریف رابطه دوجانبه به

رویکرد همکاری حداکثری، تداوم سیاست حداکثری با چین در حوزه‌های موضوعی اقتصادی، تعریف جایگاه ایران در طرح‌ها و ابتکارات چین، توسعه همکاری با چین در پروژه‌های راهبردی و بلندمدت، جانمایی دقیق ایران در زنجیره تأمین چین محور و بهره‌مندی عملیاتی از نهادهای چینی غیرعربی.

ملاحظاتی شامل؛ رویکرد محتاط چین به همکاری با ایران، عدم ورود چین به همکاری شتاب‌زده با ایران، تطبیق انتظارات طرف ایرانی با واقعیت‌های عملی سیاست خارجی چین و بازتعریف نگارش حلال مشکل نسبت به چین مدنظر قرار گیرد. همچنین چالش‌های احتمالی شامل؛ وابستگی متقابل نامتقارن، سیاست دنباله‌روی و تبدیل ایران به کارت بازی قدرت‌های بزرگ در نظر گرفته شود.

در کنار «عمل‌گرایی اقتصادی»، راهبرد «مصون‌سازی نامتقارن و محدود» در مواجهه با چین در دستور کار سیاست خارجی قرار گیرد. این راهبرد، ضمن پیشبرد رویکرد عمل‌گرایی اقتصادی با چین، گزینه‌های دیپلماتیک و مسیرهای متنوع همکاری اقتصادی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌کند. در این راهبرد سیاست خارجی کشور از الگوی متمرکز به الگوی چندمسیره، متنوع و تاب‌آوری روی می‌آورد و هر یک از کشورهای همسایه کارکرد مشخصی را بر عهده می‌گیرند.

در چارچوب راهبرد مصون‌سازی باید در کنار چین برای همکاری با چهار گروه دولت‌ها در سیاست خارجی برنامه‌ریزی کرد: دسته اول؛ قدرت‌های بزرگ مهم چین، روسیه و هند. دسته دوم؛ کشورهای همسو، همسایه و برخوردار از ظرفیت همکاری اقتصادی شامل پاکستان، افغانستان، عمان و عراق. دسته سوم؛ کشورهای دارای ظرفیت همکاری اقتصادی با چالش‌های بیشتر نسبت به گروه دوم، شامل؛ ترکیه، قطر، امارات. دسته چهارم؛ قدرت‌های نوظهور شامل؛ برزیل، آفریقای جنوبی، ویتنام، مالزی، اندونزی.

ایجاد مسیرهای متنوع اقتصادی، توسعه سیاست همسایگی، گسترش رویکرد نگاه به شرق، حضور در ائتلاف‌های منطقه‌ای، توسعه روابط با جنوب شرق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، حضور فعال در نهادهای غیرعربی، حفظ کانال‌های دیپلماتیک با غرب و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از جلوه‌های به‌کارگیری سیاست مصون‌سازی در شرایط توافق احتمالی با ایالات‌متحده آمریکا است. هنگامی‌که گزینه‌های سیاست خارجی ایران متنوع باشد، فرصت‌های چانه‌زنی و مانور دیپلماتیک در مواجهه با چین بیشتر می‌شود. زمینه‌ساز تنوع مبدأ تأمین، تنوع مسیر، تنوع سازوکار مالی رسمی در روابط

اقتصاد خارجی می‌شود. چالش‌های ناشی از وابستگی، دنباله‌روی، وابستگی نامتقارن، خطر تبدیل به کارت بازی قدرت‌های بزرگ را کاهش می‌دهد. میان همکاری با قدرت‌های بزرگ و حفظ استقلال تصمیم‌گیری در روابط خارجی به‌ویژه در مواجهه با چین توازن برقرار می‌کند. این راهبرد ضمن حفظ استقلال در عرصه بین‌المللی، از ریسک‌ها و تهدیدهای غیرقابل‌پیش‌بینی جهانی و منطقه‌ای می‌کاهد.

فهرست منابع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (۱٤۰۵). تأکید ایران بر تقویت همکاری‌های مالی بریکس و گسترش عضویت بانک توسعه جدید. https://dolat.ir/detail/٤٨٨٧٩٤، ۱٤۰۵/۰٦/۱۹.

۲. شریعتی نیا، محسن. (۱۳۹۱). عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین. فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان.

۳. ضیائی، رستم. (۱٤۰۵). «هجینگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بستر رقابت آمریکا و چین». اندیشکده تین‌شیا، https.//tianxia.ir، ۱٤۰۵/۰٤/۲٤.

٤. طباطبایی، صادق. (۱٤۰۱). خاطرات سیاسی–اجتماعی دکتر صادق طباطبایی (شکل‌گیری انقلاب اسلامی)، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۵. کشوریان آزاد، محسن و غفاری زاده، مهرشاد. (۱٤۰٤)..تبیین نقش جمهوری اسلامی ایران در رویکرد جهانی چین.مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام.https://doi .۱۱۶-۹۰ ,۷(۴), org/10.22034/fasiw.2026.238091.

٦. ویگل، میکائیل و همکاران. (۱٤۰٤). نبرد قدرت‌ها در زمین‌بازی اقتصاد: واکاوی راهبردهای ژئواکونومیک در روابط بین‌الملل. مترجم رضا مجیدِ زاده و همکاران، تهران: چاپ اول، انتشارات رایحه اقتصاد.

7. Andersen, L. E. (2023). China and Iran relations in the context of the changing world order. In *China's Engagement with the Islamic Nations: A Clash or Collaboration of Modern Civilisation?* (pp. 79-97). Cham: Springer Nature Switzerland.

8. Au-Yeung, R. & Tagirova, A. (2025). True self-help: Internal balancing and China's non-alliance behaviour since the 1990s. International Journal, 80(3), 463-485.

9. Ayres, Graham & Tsering, Lyndi. (2025). China's Facilitation of Sanctions and Export Control Evasion, U.S.China Economic and Security Review Commission, https://www.uscc.gov/sites/default/files/2025-11/Chinas_Facilitation_of_Sanctions_and_Export_Control_Evasion.pdf, 11/14/2025.

10. Ayres, Graham. (2026). China-Iran Fact Sheet A Short Primer on the Relationship. United States–China Economic and Security Review Commission(USCC), https://www.uscc.gov/sites/default/files/2026-03/China-Iran_Fact_Sheet_A_Short_Primer_on_the_Relationship.pdf, MARCH 16, 2026.

11. Azad, S. (2017). *Iran and China: A new approach to their bilateral relations*. Bloomsbury Publishing PLC.

12. Bukhari, S. R. H. & Gill, K. (2026). Strategic Hedging and Multi-Alignment China's Balancing of Iran and Arab Gulf States in a Changing Regional Order. *The Regional Tribune*, *5*(4), 33-48.

13. Caba-Maria, F. (2021). Iran–China relations: a game changer in the eastern world. In *The Geopolitics of Iran* (pp. 245-273). Singapore: Springer Singapore.

14. Ernada, Eko. (2026). Iran: China's quiet hedging strategy in the Middle East. Middle East Monitor, https://www.middleeastmonitor.com/20260517-iran-chinas-quiet-hedging-strategy-in-the-middle-east/, May 17, 2026.

15. Girard, Bonnie. (2028). The History of China and Iran's Unlikely Partnership. The Diplomat, The History of China and Iran's Unlikely Partnership.

16. Hongda, Fan. (2026). What Beijing really means by a 'strategic partnership' with Iran. Think China, https://www.thinkchina.sg/politics/what-beijing-really-means-strategic-partnership-iran, 19 Aug 2026.

17. Ionova, Ana. (2026). A Loose Band of Emerging Powers Is Divided Over Iran. The New York Times, https://www.nytimes.com/2026/03/08/world/middleeast/brics-iran-allies-us-israel-war.html, March 8, 2026.

18. Jonathan, A & et al. (2025, October 1). Iran, China, Russia, and North Korea Are Joining Forces Against America — and Israel. JINSA, https://jinsa.org/iran-china-russia-and-north-korea-are-joining-forces-against-america-and-israel/.

19. Junuguru, S. (2025). Review of the QUAD Role in India–China Relations. *East Asia*, *42*(4), 403-422.

20. Kilic, Mehmet. (2026). China's Energy Dilemma: Strategic Hedging in the Shadow of the Iran Crisis. Research Center, https://researchcentre.trtworld.com/publications/analysis/chinas-energy-dilemma-strategic-hedging-in-the-shadow-of-the-iran-crisis/, 13 May 2026.

21. Kuik, C. C. & Jamil, N. S. (2024). The feasibility and future of middle-state hedging. *East Asian Policy*, *16*(04), 7-28.

22. Kuok, Lynn. (2025). How Trump's Coercion Could Backfire in Asia. Foreign Affairs, https://www.foreignaffairs.com/united-states/how-trumps-coercion-could-backfire-asia#, April 14, 2025.

23. Milan, Mohsen. (2026). How will the Iran war reshape the Persian Gulf? Chatham House, https://www.chathamhouse.org/publications/the-world-today/2026-09/how-will-iran-war-reshape-persian-gulf.

24. Ministry of Commerce of the People's Republic of China. (2025). Foreign Investment Guide of the People's Republic of China. https://english.www.gov.cn/AssetsZi/Foreign_Investment_Guide_of_the_People's_Republic_of_China_2024.pdf.

25. Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2025). A New Blueprint for the 15th Five-Year Plan Period A New Journey for Chinese Modernization, https://www.fmprc.gov.cn/eng/zy/jj/dstzgzz/dszs/202511/t20251103_11745957.html.

26. Moreno, Miquel Vila. (2026). China And The War In Iran, High Risk For

Marginal Opportunities. Orion Policy Institute, https://orionpolicy.org/china-and-the-war-in-iran-high-risk-for-marginal-opportunities/, Apr 6, 2026.

27. Nakhoul, Samia & Azhari, Timour. (2026). Can China restrain Iran? Gulf states test Beijing's influence. Reuters, https://www.reuters.com/world/china/can-china-restrain-iran-gulf-states-test-beijings-influence-2026-07-30/, July 30, 2026.

28. Power, John. (2026). China's support for Iran shows its limits as US ramps up pressure on Tehran. Aljzera, China's support for Iran shows its limits as US ramps up pressure on Tehran, 3 Sep 2026.

29. Shoukat, R. (2025). Impact of India's Strategic Autonomy on its Quad Membership. *Global Strategic Pulse: CISSS Journal of Geopolitical & Geo-economic Studies*, *2*(1), 35-54.

30. Song, Chenjie. (2026). After the Iran War, China's Middle East Strategy Will Prioritize the Gulf. The Diplomat, https://thediplomat.com/2026/06/after-the-iran-war-chinas-middle-east-strategy-will-prioritize-the-gulf/, June 26, 2026.

31. Soni, Paroma & Allen, Catherine. (2026). 5 charts show China's oil dilemma after US strikes.Politico, https://www.politico.com/news/2026/03/02/iran-us-strikes-china-oil-supply-charts-00806415, 03/02/2026.

32. Sun, Yun. (2026). Why China Won't Help Iran Beijing Cares About the Oil, Not the Regime. Foreign Affairs, https://www.foreignaffairs.com/china/why-china-wont-help-iran?utm_source=google&utm_medium=cpc&utm_campaign=dsa_middle_east_tfd_am&gad_source=1&gad_campaignid=21047307262&gbraid=0AAAAAD7NbWm5KoOaCRqpa4yz1nmmGZ58w&gclid=Cj0KCQjw8JPVBhDARIsAO691sGAAehEs2CqarsR-L11hjJRxIA90u_TbY5eV29UQSaXRO7mVPiuEaAuGKEALw_wcB, March 5, 2026.

33. U.S.China Economic and Security Review Commission.(2025). Chapter 3, "Axis of Autocracy: China's Revisionist Ambitions with Russia, Iran, and North

Korea," 2025 Annual Report to Congress, November 2025, 156–157. https://www.uscc.gov/sites/default/files/2025-11/2025_Annual_Report_to_Congress.pdf.

34. United Against Nuclear Iran. (2025). November 2025 Iran Tanker Tracker. https://www.unitedagainstnuclearіran.com/analysis/november-2025-iran-tanker-tracker, December 15, 2025.

35. Uyesi, Ogretim & Aydin, Figen. (2026). The Importance of Iran for China and Chinese Diplomacy in the Iran–Israel War, https://foreignpolicy.org.tr/the-importance-of-iran-for-china-and-chinese-diplomacy-in-the-iran-israel-war/,

36. Xiaotong, Yang. (2026). Why China will not comply with US sanctions on Iran. https://www.aljazeera.com/opinions/2026/9/1/why-china-will-not-comply-with-us-sanctions-on-iran, 1 Sep 2026.

37. Xinhua. (2026). China blocks U.S. sanctions on five Chinese firms over alleged Iran oil ties. https://english.news.cn/20260502/9ede65ff4e7343ba94d23249a0e51282/c.html, 2026-05-02.

38. Zhang, Junhua.(2026). China's careful hedging in the Iran war. Gis Reports Online, https://www.gisreportsonline.com/r/china-iran-war/,April 29, 2026.

39. Zhou, Qian. (2026). China Recasts Outbound Investment Governance Under New State Council Regulation. https://www.china-briefing.com/news/china-odi-regulation-2026-outbound-investment-rules-part-i/.



تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۸۵۷۳۰۰۰۰ (۰۲۱)
ICCIMA.IR